

کنتیزك دريائي، ماگه ستارگان هاليوود و مادر

سه گودك زيباست

فيلم كتيوك دريائي يا (زن يك مليون دولاري) از فيلمهاي بود كه در اين هفته موفقت فراوان داشت و استرويليامز ماهر و شناگر رل نخست آن را باغاي مي كرد و اغلب كساني كه پس از مشاهده فيلم از سينما خارج مي شدند بشاش و شادمان بنظر ميرسيدند اين فيلم خلاصه اي از زندگي استرويليامز و چگونگي ورود او به عالم سينماست كه در سال ۱۹۵۲ كمپاني متروكلدوين

ماير با صرف مخارج زيادي آن را تهیه نموده است. در فيلم كتيوك دريائي استرزياتر از هميشه و مايوهائي كه مي پوشد دوچندان بر ملاحظ او ميا افزايد. صحنه هاي رقص در زير آب و شناهاي دسته جمعي (عبور از درياي تاييز) و بالاخره موزيك دكتور و رنك آميزي اين فيلم ديدني بود. استرويليامز و والتريچون (در نقش پدرش) رلهائشان را دروان بازي ميكردند و لسي مثل اينكه ويكتورميچر اصلا براي فيلمهاي تاديغي آفريده شده (قيافه و حسركاش متعلق به يك مليون سال قبل از ميلاد مسيح است) و داويد بريان هنريشه فيلمهاي پليسي كمپاني وادرسر رل عمده اي را ايفا ميكرد.



روپسرفته فيلي است موزيكال و تماشاغي موضوع آنهم مثل هميشه يك داستان عشقي است كه در آخر آن استرويليامز در آغوش هنريشه مقابل (ويكتورميچر) قرار ميكيرد و با يك بوسه سينمائي فيلم خاتمه ميبابد.

فيلمهاي كه استرويليامز در آن بازي كند عموما موزيكال است و خيلي كم در فيلمهاي پليسي جنائي و درامهاي سنگين رلي بيهوده ميكيرد از اين رو تماشاچيان فيلمهاي او اغلب دوستداران شنا و فيلمهاي موزيكال و مجلل هستند.

استر با وجود آنكه اكنون مادر سه گودك زيبا (تيجي. كهي. سوزان) است الا زيبائسي و معروفيت خود چيزي از دست نداده است. بله بيشتر در فيلمهاي عالي مترو شركت داده ميشود و با عنوان ملكه ستارگان سينما بسر هاليوود (حكومت) ميكند.

وي در مقاله اي كه چندي قبل در مسجله (فتوالي) نوشت در نصيحت بنادران گفت اگر ميخواهيد داراي اندام زيبا باشيد و ملاحظ شما محفوظ بماند پس از وضع حمل مدتي استراحت كنيد و بعد هم با ورزش و تمرينات زياد اندام زيباي خود را زيباتر از سابق بسازيد و من كه براي سومين بار (اميدوارم آخرين بار نباشد) گودكي بخانواده خود اضافه ميكنم اميدوارم هر سه زودتر با ورزش و تمرينات خود را براي شركت در فيلمهاي آينده آماده سازم.

استرويليامز با يك تصميم و پشت كار زيبائي خود را دوچندان ساخت و فيلمهاي نظير (آسان براي ازدواج) (معشوقه زويتر) گفته مارا ثابت در فيلم معشوقه زويتر كه از آخرين فيلمهاي او است وي را سوار فيل عظيم الجثه در حال شنا خواهيم ديد كه مثل ساير فيلمهايش جالب و ديدني است.



از خصوصيات خانم بن كايچ يكي صرفه جويي اوست مي گفت زياد مي گوشم كه كمتر خرج كنم و چون خانه جديد مان در (بوولي هيلز) داراي استخر شنايست تا ساخته شدن آن از استخر هسابه مجاور استفاده ميكند ولي شوهرش همواره بر صرفه جويي شديد اوعيب ميكيرد و شايد استخر زيبائيكه اكنون هر روز اين خانواده در آن شنا ميكند بر اثر پافشاري بن كايچ شوهر مهرانش باشد اكنون آنطور كه بايد و شايد محبوبيت استر كامل گرديده و از شهرت او همين بس كه كسي نيست او را نشناسد با وجود آنكه هاليوود باعث شهرت آن گرديده و او را بدين مقام رسانده دلخوشي از آنجا ندارد و اغلب بمخبر رسن جرايد مي گويد:

كمپاني هاي فيلم برداري هاليوود فقط در فكر پول در آوردن هستند و براي هنريشه خود هيچ اهميت قائل نمي باشند. استرويليامز اغلب در شب نشيني هاي بزرگ شركت مي كند تا كسانيكه او را بر سرده سينما آندرزيبا و جذاب مي بينند فكر نكنند كه اين زيبائي هم (ساختگي و كريم) است در يكي از همين شب نشينها جلب نظر (ايزنهاور) رئيس جمهور آمريكا) را كرد وي پرسيد اين خانم خيلي در نظرم آشناست و پس از معرفي استرويليامز گفت علت اينكه در وهله نخست مرا نشناختيد اينست كه با لباس هستم.

- ديلماني -

رژه ارتش در پیشگاه بزرگ ارتشداران فرمانده



فداکاری و جانبازی ارتش ما در مواقع حساس و رهبری عاتقانه و مدبرانه فرماندهان هرملمنی باعث افتخار آن قوم بوده و همه را با احترام و تکریم نسبت به آنها وادار میکنند.

نمونه بارز این فداکاری و از خود-گذشتگی در روز پرافتخار ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ تحت فرماندهی شاهنشاه محبوب آشکار گردید و منجمه درخشانی در تاریخ با عظمت ایران باز کرده افتخارات ۲ هزار ساله را یکبار دیگر تجدید کرد.

در سال ۲۵ و قبل از آن فرقه مجاوز و خودسر دموکرات که از ناحیه بیگانگان تقویت میشد و نقشه جدا نمودن آذربایجان عزیز را از بیکر ایران داشت با تبلیغات زهر آگین و جسارت بیجای خود عدهای از مردم شریف و شاه دوست آذربایجان را اغفال و عدهای دیگر را تحت فشار و شکنجه قرارداد و ادعای استقلال داشت و بطوری این فرقه که در رأس آنها پیشه-وری قرار داشت ادعای پیوستن خود را دنبال کرده بود که هر آن امکان داشت آذربایجان برای همیشه از ایران جدا و بحلقوم دیگران فرو رود اما... امامدستی از آستین بدر آمد و همه نقشه هارا نقش بر آب کرد این دست مقدس دست شاهنشاه بود که با سلطنت چندین ساله ای که بر قلوب ملت ایران نموده محبوبیت خاصی بین عموم از خرد و کلان پیدا کرده اند فرمان عاتقانه شاهنشاه که با فدا کاری بیحد و حساب سربازان توأم گشت نتیجه مطلوب را بدست آورد و چنان ضربتی بدهان یاوه گویان و بیگانه پرستان زد که دیگران هم حساب خودشان را کردند.

ارتش دلیر ایران بیروز شد و این پیروزی نتیجه مهم دیگری هم در بیر

تیمسار بختیار در مراسم رژه داشت و آن اینکه دول آزاد جهان نظر مساعد تری نسبت به پیدا ایران نموده از کمکهای بد عوض و لازم فرو گذاری ننموده با سلاح جدید ارتش نیرومند ایران را تقویت نمودند بخصوص در رژه اسلالم که بیاد بود نجات آذربایجان در جلایه انجام گردید از هر جهت نسبت بسالهای قبل با شکوهتر و با عظمت تر بود و از پیشرفت تعلیماتی و تسلیحاتی ارتش خوبی حکایت میکرد.

نکته ای که مورد توجه محافل قرار گرفت تاثیر شاهنامه رژه ارتش با اسلحه های نوین سبک و سنگین بود که جلب توجه تماشاچیان و از جمله وابستگان نظامی خارجی را نمود و چند نفر از وابستگان نظامی خارجی اعتراف کردند آنچه در میدان جلایه دیده اند با آن مطالبی که در باره پیشرفت ارتش شنیده بودند از مسوعات آن بیشتر بود و از اینرو هیئت تحریریه مجله از طرف یهودیان ایران این پیروزی بزرگ را به شاهنشاه محبوب و معظم و ارتش دلیر ایران تبریک میگوید.

شب نشینی بزرگ انجمن خیریه و فرهنگی اتحاد

شب جمعه گذشته جشن بزرگ انجمن خیریه و فرهنگی اتحاد در هتل پالاس با نحو بسیار جالب توجه و مجلل برگزار گردید. چون در این موقع صلعات مجله بسته شده و عکس های مربوط به شب نشینی نیز آماده نبود شرح مفصل این شب نشینی در شماره آینده از نظر خوانندگان عزیز خواهد گذشت.

روی جلد

۱ - اعلی حضرت همایونی در مراسم رژه ۲۱ آذر ارتش ۲ - رژه سربازان از برابر جایگاه ۳ - رژه افراد نیروی دریائی

بختیار

حضرت آقای اسکناس زاده...

تمجیب : نید حتما ایشان را بکرات زیارت کرده اید منتها شاید اسم شریفشان را بیجا نیاورید . آقای اسکناس زاده از معارف اجتماعند در همه مجالس بزرگ . پارتهای و محافل اجتماعی سرو کله آقای اسکناس زاده پیدا میشود و از ایشان باسلام و تکریم یسار می گردد.

سن مبارکشان را درست نمیدانم و مهم هم نیست، جناب ایشان بین بیست تا سی و هفت هشت سال دارند. آقای اسکناس زاده تحصیلشان را بآن ترتیب انجام داده اند که در تهران از فاکولته دبستان ابتدائی فارغ التحصیل شده و بعد از چند سال در حجره بابا باخیابان های لاله زار و استانبول امور اقتصادی اشتغال داشته و سپس برای تکمیل مطالعات خود بامریکا و اروپا مسافرت فرموده اند ایشان در کشورهای خارجی کلیه علوم جدیدی از قبیل هارمونی البسه، رقسمهای سبک دوفری سبک ستاره شناسی سینمایی را بخوبی فرا گرفته و برای خدمت با اجتماع بهیمن باز گشته اند!

در بیبی است هیچ علتی ندارد که معظم له در تهران خود را متجرب در کلیه علوم و فنون جدید و قدیمه از قبیل حقوق - اقتصاد - فلسفه - ادبیات - شیعی - اخلاق - برق - مکانیک و غیره قلمداد نکنند و هیچ علتی هم ندارد که مردم در قبول کردن و پذیرفتن این فرمایشات کوچکترین تردیدی بخود راه دهند. ایشان آقای اسکناس زاده هستند و بیانشان محبت است.

آقای اسکناس زاده که از شدت فعالیت های اجتماعی و اتماً فرسوده و اعصابشان خسته میشود هر چند ماه یکبار برای تمدد اعصاب مسافرت کوچکی بممالک همسایه از قبیل فرانسه و آلمان و سویس می نمایند و مسلم است که در این مسافرت های کوچک هم دست از مطالعات عمیق خود در رشته های مختلف علم الاجتماعی برنمی دارند و هر بار ارمغان بهتری برای اجتماع خود می آورند از نظریات جناب آقای اسکناس زاده گاهی هم که منتی بگذارند در مجالس و در صحنه ؟

(حنو کا)

قیام نجات بخش حشمو نائیم نمونه ای از آزادی خواهی یهودیان جهان است تاریخ را ورق بزیند تا فداکاری و جانبازیهای گذشتگان را در راه حربت و آزادی ببیند و پیروی کند

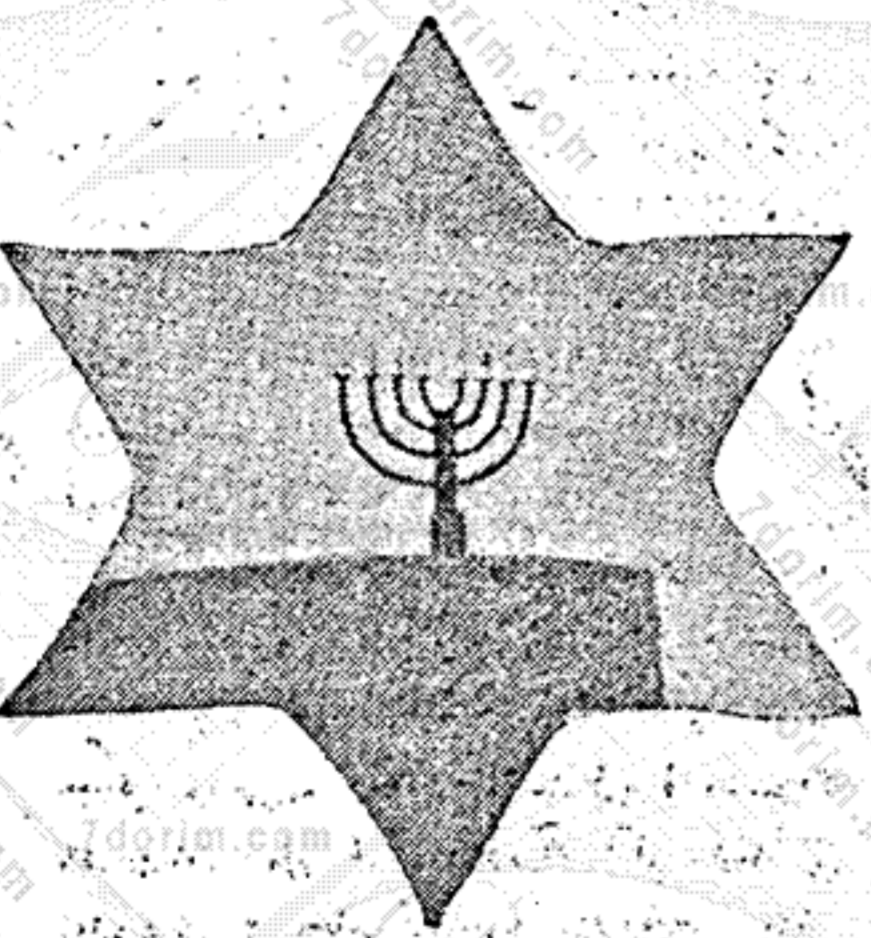


بیرون میراند در این نبرد آزادی بخش برای نجات امیمن و مهم میهنان چنان درسی به آیندگان میدهد که امروز بر هزارها سال ملت ما به افتخار این روز تاریخی چشم میگرد شاد می کند و شرح جانبازی های دلیرانه برادران خود را بتوان نمونه

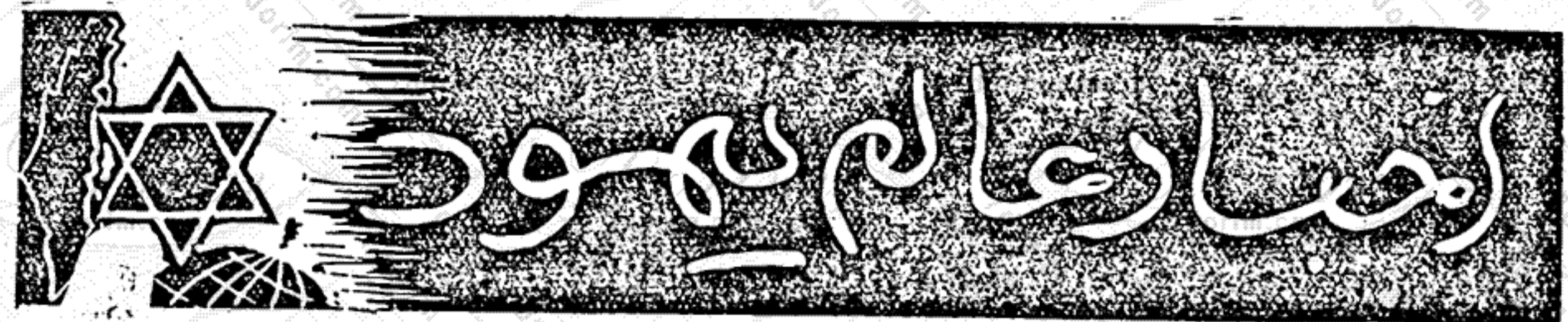
۲۱۲۰ سال از نهضت آزادی بخش حشمو نائیم میگردد در آن روز کار یهودیان در زیر نچیر اسارت و استثمار یونانیان دست و پا میزدند ملل استثمار طلب از روزگاران قدیم برای استثمار ملل کوچک از هیچگونه عمل خلاف انسانی فرو گذار نمیگردد و در هر موقع و در هر شرایطی بوسائل مختلف سعی میکردند از نتیجه کار مردم زحمتکش استفاده کرده تا خود در ناز و نعمت زندگی کنند.

حکومت یونانیان در سواحل مدیترانه و فشار به مردم آزاده یهود نمونه ای از این نوع حکومت های استثمار است. زجرها شکنجه ها کار اجباری مالیات های کمر شکن فشارهای غیر قابل تحمل باعث قیام جوانمردانه خانواده حشمو نائیم میشود. «مت یا هو» پیرمرد روشنگر و فداکار با تفاق فرزندانش رشید و جانبازی دست از آستین بیرون می آورد و بر سینه نامحرمان میزند: «مت یا هو» با وجود پیری و ناتوانی چنان دلجویانان ملت خود حسن جانبازی و سربازی رزق بلقین میکند که با یک حله و شیخون اجانب را از خانه خود

مکابی و برادران رشیدش ایستاده اند ولی آن ملت ضعیف خود را برای اینکه با افتخار زندگی کند برای اینکه از ناموس و شرافت خود دفاع نماید برای اینکه دست زور و تهدید را از سر خود دور سازد برای اینکه زیر بار ظلم و جور نرود و بالاخره برای اینکه آزاد باشد و آزاد زندگی کند بدون ترس با کمال رشادت می جنگند می کشد کشته میشود جلو می رود و لشکرهای جرار یونان را درهم میشکند و آنانرا به آنطرف مرزهای خود می راند.



اینها نمونه ای از قیامهای است که برای آزادی بوجود آمده است. با وجود اینکه چندتن از فرزندان (مت یا هو) کشته میشوند اما این پیرمرد فیروزمند دوست بجای عزاداری شادی می کند زیرا ملت او و میهن او آزاد شده اند قیام حشمو نائیم نه تنها برای یهودیان بلکه برای همه جهان، درس عبرت خوبی است. باید از فداکاریهای گذشتگان درس گرفت و برای درس وطن پرستی و رشادت فرزندان خود میوزد. در وصف آن رزم تاریخی یک ملت قوی و کهن سال و شکر، سرداری آ پولن هاسیرون ها و لیز باسها و یک ملت کوچک و ضعیف و مستکش و بسر پرستی یهودا



اخبار عالم یهود در يك مقاله
حادثه جدید مرزهای سوریه
 دریاچه شبرین کثرت در شمال شرقی اسرائیل یک منطقه مرزی است که ماهی گیری در آن فستی از احتیاجات روزانه اسرائیلی را تامین میکند طبق مقررات صریح قرارداد آتش بس این دریاچه کلاه جزء قلمداد اسرائیل است و آزادی ماهی گیری برای اسرائیلی ها اعلام شده است سالهاست که در فصل مخصوص ماهیگیری از طرف پاسگاههای سوریه که در طرف شرق این دریاچه قرار دارد از قسراز بلندیها به قایقها تیراندازی و کار آنها را مشکل میکنند ولی اخیرا پس از امضای قرارداد نظامی جدید سوریه و مصر کوبا روح حلات غیر منظم مصری در سوریه اینها هم حلول نموده و مخصوصا پس از مسافرت ژنرال عمر فرمانده مشترک ارتش های مصر و سوریه حلات پاسگاههای سوریه افزایش یافت بعدی که ماهیگیری را تقریباً برای اسرائیلی ها غیر ممکن نموده اعترافات اسرائیلی ها هم مفید واقع نشد و چون ماهیگیران و اهالی ساحل دریاچه از دولت وسیله تامین کارو زندگی خواستند یک واحد از ارتش هکانا دستور یافت که بایک حرکت سریع ۴ پایکا دسوری که دوست نفر در آن مستقر بودند منهدم و ساحل راست دریاچه «دایک» کنه این وظیفه را بقرار خیر روزنامه ها و راد یوها واحد هکانا در روز یکشنبه گذشته در طی شش ساعت پس از عبور از رودخانه اردن با موفقیت کامل انجام داده و مقدار زیادی هم اسلحه و ۲۶ نفر سرباز و افسر باسارت آوردند جزو دستورات صریح فرماندهی هکانا برای این عملیات از جمله آن بود که بیبب فرد غیر نظامی جز در موردیکه عمل خلائی انجام دهد گردنی نباید برسد و زنان و کودکان هم مطلقاً در امان باید باشند و بیببین خاطر واحد هکانا پس از تصرف پایکاها اهالی غیر نظامی را مرخص نموده پایکاها و مهمات آنها را منهدم فرمودند در این عملیات طبق اعلام هکانا ۵۰ نفر تلفات از جمله ۱۰ نفر سوریه ایها وارد شد دو این جا هم طبق روش مخصوص

مصریها در ۳ اعلام دروغهای بزرگ سوریه اعلام نمود که تلفات اسرائیل ۱۰۰ نفر بوده ولی وزارت امور خارجه اسرائیل صدق اعلامیه ارتش را مبنی بر ۶ نفر تلفات تأیید نموده و توضیح داد که ارتش اسرائیل یک ارتش ملی است و نمیتواند بملت دروغ بگوید و باید حتماً حقیقت تلفات را برای مردم و اقوام سربازان افشاء و اعلام نماید و هجوت نمی تواند در دروغ گفتن بادشطان خود رقابت نماید»

قرارداد مهم بین تجار ترکیه و اسرائیل
استانبول: یکی از تجار تخته های بزرگ تلویو قراردادی مبلغ چهار میلیون دلار منعقد نموده که مهمانخانه ای دارای ۱۲۰ اتاق دوسو کوسو نزدیک استانبول بسازد و همچنین ۵۰۰ خانه در همان ناحیه و ۲۵۰ خانه کارگری در آتاتولی و ۱۲۰ ویلا در استانبول برای مقامات دولتی ترکیه تهیه و تحویل دهد.

تسریع در امر پذیرائی از مهاجرین اورشلیم
 مسخوت و دولت اسرائیل ضمن مذاکراتی که اخیراً بعمل آمده تصمیم مشترکی برای جذب مهاجرین جدید گرفته اند.

جزئیات این مذاکرات معلوم نیست ولی گویا آژانس یهود فشار آورده که سه میلیون نفر که برای امسال تعیین شده کافی نباشد زیرا عده خیلی بیشتری از یهودیان جهان که تحت فشار و شکنجه هستند میل دارند هر چه زودتر قدم در خاک اسرائیل گذارند.

اگر بر میزان مهاجرت افزوده شود مبادرت یعنی کامپهای پذیرائی بیشتری باید تأسیس شود و قلاً برنامه مفصلی برای جذب مهاجرین مطرح است زیرا مسخوت در چندی قبل قول داده که اگر زندگی یهودیان در بعضی کشورهای در خطر باشد از سهمیه فوق الذکر تجاوز خواهد نمود

تالار کانادا در دانشگاه عبری
 در انجمن دوستان دانشگاه عبری منعقد در منزل مادام لینا هالبر در لندن آقای

شافتلی گزارش مسافرت اخیر خود را بکشور اسرائیل داده و اشاره بترقیات اخیری که نصیب این دانشگاه شده و مخصوصاً از عبارات جدید آن خیلی تعریف نمود.

مادام هالبر خاطر نشان ساخت که زنان اسرائیل کانادا مبلغ مهمی بدانشگاه عبری تقدیم و درخواست نموده اند که تالاری موسوم به تالار کانادا در آنجا تأسیس شود که گویا افتتاحش ببهمه لرد هوربلشا و خانم ایشان خواهد بود

ساختمان و جنگل کاری در انجمن فرهنگی انگلیس و اسرائیل
 دکتر رودین رئیس انجمن اظهار داشت: کشور اسرائیل با وجود بحرانیهای زیادی که تاکنون با آنها مواجه بود مهربا هیچگاه از هدف اصلی خود یعنی آبادی کشور و کمک بورود مهاجرین جدید منصرف نگردیده است و نقشه زهایی که برای آبادی قراء و قصبات شهرهای جدید مطرح گردیده با جدیت هر چه تمامتر پیشرفت مینماید و در عین حال برنامه جنگل کاری با دقت کاملی تعقیب میشود سرزمینهای خشک و بی آب و علف و تپه های لم بزور امروزه مستور از گل و سبزه و درخت است بطوریکه میتوان بعضی نقاط این کشور جدیداً لتاسیس را با هواد و پرورز یا سوسیس تشبیه نمود.

مطبوعات اسرائیل نیز در تومسه هستند و هر کدام از روزنامه ها وابسته به حزبی است ولی کشمکشهای قلمی بطوری که در سایر کشورها مسول است در آنجا خیلی کمتر دیده میشود.

موسسات مذهبی و خوراکهای کافر در تمام شهرها و نقاط کشور موجودند و موسیقی هم طرفداران زیاد دارد

دنباله نهمین
 معاذل دقیق مربوط باجتماع استفاده میشود چون جناب ایشان بملت کثرت گرفتاری نمیتوانند همنما در این جلسات شرکت فرمایند.

اما اگر گاهی تظلمی فرمودند و قلم رنجه کردند آنجاست که سرهای معمر ترین اعضاء هم تازان تو خم می شود و به مقام استکسای ایشان احترام میگردد.

آخر ایشان حضرت آقای اسکانس زاده هستند!

دیداری از ایسرائل

سخنرانی بانو حکمت رئیس سازمان بانوان یهود ایران

در شماره گذشته متن سخنرانی بانو کشفی نائب رئیس سازمان بانوان درج کرده بود و اینک سخنرانی بانو حکمت از نظر خوانندگان میگذرد.

مفتخرم بدوا از طرف خود و سایر خواهران عزیزم که در این مسافرت همراه من بوده اند از اداره سوخوت ایران که وسایل سفر را بایسرائل فراهم کرد و از سوخوت اسرائیل که برنامه کامل و جامعی برای مدت ۳ هفته برای ما ترتیب داده بود که از سرتاسر کشور اسرائیل دیدن نمایم و همچنین از انجمن زنان میزراحی اسرائیل و آمریکا که وسایل پذیرائی ما را در مؤسسات و مدارس خود در طی این مسافرت نموده بودند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری مینمایم - هر کس که برای بار اول بایسرائل مسافرت میکند و این کشور کوچک و جوان را از نزدیک مشاهده مینماید همان اندازه که از نقطه نظر تاریخ و یادآوری حوادث قرنهای پیش که در کتب مقدس ثبت است تحت تاثیر احساسات قرار میگردد بهمان اندازه نیز فداکاریها و ازجان گذشتگی های مردمی که در راه بدست آوردن مجدد این آب و خاک اجدادی خود رنج کشیده و تحمیل بسی معروفیت ها نموده اند او را تحت تاثیر قرار داده بی اختیار و آوار به تحسین و تمجید مینماید و اشکی که نمیتوان گفت از شدت اندوه یا شادی است از چشمان او فرو میریزد - من هر قدر هم بیان تمجیح داشته باشم نمیتوانم این احساسات زو می را که در حله اول وجه در طی مسافرت سرتاسری اسرائیل مرا احاطه کرده بود شرح دهم و آنچه پیشرفت و ترقی را که این ملت در مدت باین کوتاهی کسب نموده توصیف نمایم مگر اینکه خود واقفاً با چشم به بیند و مفهوم این سخنان را کاملاً درک نماید



ما شاهد مناظری بودیم که خاطره آنها هرگز از نظرمان در نیشود یکی از این خاطره ها لاشه های رنگ زده و شکسته چند ماشین و کامیون و اتومبیل بود که در راه تل آویو به اورشلیم در کنار جاده ایجا و آنجا افتاده بود که بناگذاشتند اینها از یادگار های دوران جنگ استقلال است وقتی از راهتهای خود توضیح بیشتری خواستم گفت در روزهایی که اورشلیم از هر جهت محاصره شده و از هیچ سو نمی توانست آذوقه فراهم نماید در آن ساعاتی که نزدیک بود همه امیدها منهدم به ناس گردند و در سرتاسر قسمت بالای این جاده در بنام دوختان قوای دشمن متمرکز گردیده و بر این تنها راه نیز مسلط شده بودند اگر بگویم در برتر آذوقه و خوراک باورشلیم میرسید سقوط حتی بودم عده از جوانان ازجان گذشته در درم جمع شده و با خود گفتند درست است که اگر ماشین های ما فرد فرد به تنهایی در این جاده بگذرد مورد حمله قرار گرفته و از کار می افتند اما اگر ما در دسته جات بزرگ با آذوقه

و ساز و برگ برای افتیم بفرش که از هرده ماشین نه تان آنها را از کار بیاندازند و سر نشینان آن کشته شوند لاقلاً یکی از آنها خواهد توانست سلامت باورشلیم برسد و مردم آنرا از کرسنگی نجات دهد همین کار را کرده زیاد تر از آنچه احتیاج داشتند داوطلب برای این کاروان مرک نامزد شد و گروه کامیون ها در یک ساعت بسوی اورشلیم روان شد اینها که می بینید لاشه های آنهاست که بقصد نرسیدند و برای جاویدان ماندن خاطر اما فداکاری بی نظیرشان اینجا مانده اند اما بالاخره این نقشه جسورانه اورشلیم را از سقوط حتی نجات داد

این نمونه فداکاری و از جان گذشتگی یک عده جوانانی بود که داوطلبانه بسوی مرک رفتند تا این آب و خاک و یگانه گلخانه ملتی را نجات دهند

نه کسی آنها را مجبور میکرد نه قید و بند و تعصیبی از مقام دیگری بر دوش آنها بود اینها جوانانی بودند که در راه جان و ناموس خود و یک قوم بی خانمان مبارزه میکردند

اینها همه چیز و همه کس خود را در راه هوی و هوس های وحشیانه هیترلی از دست داده بودند برای اینها فقط دوراه وجود داشت یا مرگ یا زندگی این جوانان برای منفعت و کسب شهرت یا از روی هوس یا بواسطه خشم و کینه درونی مبارزه میکردند اینها جز بزرترین سرمایه یعنی جان خود را در کف داشتند بیایید همه گمی بروان پاک این جوانان و کلیه آزاد مردانی که در راه حفظ استقلال و آزادی خود را فدا کرده اند درود بفرستیم

مراسم افتتاح دبلیکام برای این یکی دیگر از وقایع فراموش نشدنی این مسافرت کوتاه ما بود که واقعه را تحت تاثیر قرار داد در یک فضای بسیار وسیع در خارج از دانشگاه هزارها مردم عادی و در قسمت دیگر شخصیت های برجسته اسرائیل و نمایندگان سیاسی دول خارجی شاهد تشریفات این مراسم باشکوه بودند در جمعی های اسرائیل بر دوش جوانان که با صدای

سرگذشت واقعی و شگفت انگیز

کاتالینا دواروسو

داستان زیر تلخیصی است از مقاله نویسنده مشهور ژولیولانو آرتوری، مدیر مجله هنگی «ارسیلا» منتشره در صاتیاکو (شیلی) در نامه ماهانه «آمریکاس» که از طرف اتحادیه بان آمریکای جنوبی انگلیسی اسپانیولی و برتالی منتشر میگردد. در آنچه از نظر تان خواهد گذشت مطمئن باشید که ذره افتاده و قلم نیست و چون سخت شگفت انگیز و باور نکردنی است مترجم از آن در آهواز این مختصر بعنوان «داستان» یاد کرد.

روزی از روزهای سال ۱۶۰۰ در بندر کونسپسیون (شیلی) جوانی بیست ساله باقیانای تودار و طیبی شرور و سرکش با بخشکی گذارد که دست بقه و تفنگش خیلی خوب بود.

هنگامیکه او وارد کشور شیلی شد فردی بی نام و نشان بود اما بعدها با نام «آلونزو دیاز رامیرز» در جنگل های اسپانیا بر ضد سرخ بوستان آن نواحی شهرت بسیاری بهم زد.

سرگذشت او درست مانند رمان در نظرها جلومیکند؛ و اگر استاد و مدارک بسیاری برای تأیید این مدعی ندین بود اصلاً بشید آنرا باور کرد.

اسم واقعی این آقا - یا پدرست تر یگویم این خانم - کاتالینا دواروسو بود. درست تا روز قبل از مسافرتش بشیلی در یکی از صومعه های اسپانیا راهب بود. او که در سلك جنگاوران شجاع در خولین ترین و طولی ترین نبردهای تازه آمریکا ابراز دلیری میکرد با سرسختی و اصرار عیبی راز جنیت خود را از همه پنهان میداشت.

در سال ۱۵۸۲ در سان سباستیان واقع در اسپانیا دنیا آمد. خانواده ثروتمند او بر طبق مرسوم و اقتضای زمان به آرتش و کلیسا دل بستگی داشت.

هر سه برادر کاتالینا در خدمت او تن بودند و هر دو خواهر بزرگتر کاتالینا در سلك تاریک دنیا متکف صومعه گردیده کاتالینا نیز از چنگل سر نوشت گریزی نداشت و پدر و مادرش او را در سن چهارده سالگی به دیر سان سباستیان کسبل داشتند.

کاتالینا تا سن شانزده سالگی زیر نظر و مراقبت راهبها پرورش یافت و در آن سال سوگند مرسوم و تداول رایج کرد. یکی از شبا که خواهرش ماریسا کشیک را بجهت داشت او به بهانه اینکه

مدیر صومعه چنین می خواهد، توانست به کلید در ورودی صومعه دست یابد آنوقت دامن لباسش را بالا زده کوتاه کرد و فرار را برقرار ترجیح داد.

پس از فرار از صومعه کاتالینا تا مدتی خود را در پناه جنگل ها مخفی کرد و با خوردن میوه های جنگلی و تنگدی نان خود را از شر شکم بی هنر بیج بیج آسوده ساخت.

در این اثنا بهر طریق بود خوب و بد از لباس زنانه اش رخت مردانه ای ساخت و نامدتی بعنوان نوکر و خانه شاکرد در خانه های مختلف بکار پرداخت.

بعد با لباس مردانه پاکشتی با آمریکا سفر کرد. او هم یکی دیگر از این هزارها ماجراجو، سرباز، تاجر، متواری و نام آوری بود که اسپانیا با تلاش و کوشش فراوان یکی کرد آوری کرده و برای تسخیر و استعمار دنیای نو کسبل داشته بود.

در آهواز سال ۱۶۰۰ از با نام مستعار فرانسیسکو دولویولا یا نولویا بین مردم ظاهر شد.

در ترویلو یکی از شهرهای پرو خدمت شخصی بنام ژوان دو اورکیوا که پیشه اش تجارت ابریشم بود و راه شد. اما این اشتغال دیری نپایید و بانفستین او باشی و خونریزی که این موجود عیبی که به ها بنام ستوان راهب مشهور شد مرتکب آن گردید خانه یافت.

بدون کوچکترین ناراحتی و جلدان این خانم و نقره را که در تئاتر میخواستند جای او را تصاحب کنند بضر و هفت ازها در آورد.

چون قانون در مورد اسپانیایی هائی که بایکدیگر نواحی میکردند خیلی هفت داشت تاگزیر گردید در کلیسائی بس پشینه.

حاکم شهر با قبول و قرار و وعده و وعید بسیار در این باب که با او سخت نگیرد

او را از بست بیرون کشید اما بجای وفای بهمد او را بزندان انداخت و آنطور که بر ناردینود و گوزمان در کتاب خود منتشره در ۱۶۲۵ در شهر سویل گزارش میدهد «سر او را میان قید خیلی تنگی گذاشت»

کاتالینا دواروسو در اثر مسامی و تلاشهای اسقف شهر از زندان خلاص شد و در خانه حامی خود منزل کرد. چندی بعد شغلی بدست آورد اما این کار راهم بر اثر چاقو کشی مجدد خود از دست داد و بلافاصله پس از آن به لیما گریخت. در پایتخت شلوغ و پر جوش و خروش این کشور بزرگ باز او بار دیگر کاری بدست آورد و در خدمت شخصی بنام دیکودو اولارته در مغازه ای مشغول کار شد. اما کاتالینا برای این از صومعه نگرینفته بود تا زندگی را با شاکردی مغازه بسر آورد، بهین دلیل تصمیم گرفت که یکی از صومعه سر بازاری که حازم شیلی بودند بیبوند.

اما در بندر کونسپسیون برادر کاتالینا بنام بیگل دواروسو که خدمت خود را با سربازی ساده شروع کرده و حالا مامور فرمانده شده بود مامور رسیدگی بکار این ۳ نوج گردید.

او دستور داشت که کاملاً نسبت بکار ایسن نیروی تازه وارد دقت و رسیدگی کند. از مقابل صفا گذشت و از همه اسم و رسم و شغل و محل تولدشان را پرسید. هینکه نوبت بکاتالینا رسید که نامش آلونسو دیاز رامیرز زد و گو زمان و اهل سان سباستیان میباشد.

از آنجا که سیکل دواروسو از او پر باز مپیش رانترک کرده بود اصلاح خواهر خود را نشناخت اما از اینکه در یک کشور غریبه با هم ولایتی پیدا کرده بود فرق خوشحالی شد. کاتالینا در آن خوش نشد و جو یا شد که آیا او در ولایت خودشان پدر و مادر او را می شناسد یا نه. گمان می گتم.

یکدنه کاتالینا آتشبارکی بر سرش زد و برای تفریح نکاتی از زندگی خانواده او برایش نقل کرد و در نتیجه چنان سروان شادان و خندان او را در هنگ خودش پذیرفت و نامدتها رفیق صمیم او شد.

کتابی که در سال ۱۶۲۵ از طرف سیرن نایاردو منتشر گردید از خصومتی که بین او و برادرش پدید آمد صحبت میکند.

آلونسو دیاز رامیرز دو کوزمان یعنی کاتالینا - بی جهت بر سرش زد. که گاه و بیگاه از مشوقه برادرش دیدن کند.

اما برادرش در خشم شد و او را ممنوع کرد که باز دیگر بسا بخانه معشوقه اش بگذارد.

حالا دیگر نوبت آلونسو دیاز رامیرز دو کوزمان بود که عصبانی و خشنک بشود و از اطاعت دستور برادرش سرپیچی کند. قرار شد که حسابشان را با هم تسویه کنند و همانطور که معمول مرسوم آن روزگار بود کار به شمشیر کشی کشید. سروانی واسطه شد و چنگیو را از هم جدا کرده معکبه «صعزانی» شد و باید در نظر گرفتن درجه میگر برای حفظ انضباط آلونسو را بقله جدید التامین ناسیبتو واقع در جنوب شیلی «تیبید کرد».

در اثر دلاوریهای متهورانه او دو نبرد با خصم به آلونسو دیاز رامیرز دو کوزمان درجه ستوانی اعطاء شد بهین دلیل بود که بعدها از به ستوان راهب ملقب گردید و این لقب را او هنگامی یافت که قسمتی از سرگذشت خارق العاده او ورد زبانها گردیده بود.

چهارده سال تمام در جنگلهای جنوب شیلی بسر آورد. در اثر ضربت هائی که اولیا صربازان نشان داد بار دیگر تبید شد آن هم بقله آروکو.

اما این قلعه چنان جای بود که آلونسو ترجیح داد بانفاق او سرباز دیگر سر به بیابان بگذارد و پس از گذشتن از کوههای آیلن واقع در جنوب شیلی بسر زمین قل آرزاتین وارد شود یک استوار و سه سرباز مامور تعقیب فراریان شده ناماستوان راهب یکی از متقیب کنندگان را کشت و دیگری را در حین فرار سخت مرموز ساخت.

گذشتن از این سلسله جبال بی قربانی میسر نشد: هر دو رفیق راه آلونسو در بین راه از گرسنگی و سرما جان دادند. اما او که سخت جان تر از دو رفیق دیگر بود پس از بیست و شش روز مشقت فوق بشری با نطرف سلسله جبال آبدن رسید.

آنگاه بسوی شمال توجه شد و پس از سفر دور و درازی در تو و مان اطراق کرد و در منزل منشی اسقف شهر جا و منزلی برای خود یافت.

تصویری از کاتالینا در دست است که طبق آن نمیتوان ادعا کرد ملاحظتی داشته است؛ چیزی غیر قابل توصیف و نامعلوم در قیافه او است که آدم را مشغول میکند.

تمام تصاویری که از او بجا مانده است کپی یا اقتباس از تصویری است که نقاش مشهور سویل بنام فرانسیسکو باسکو در سال ۱۶۳۰ از او کشیده است.

اما باید گفت این تصویر در پایان دوران شرارت و جوش و خروش او کشیده شده و بدینجهت سرزندگی و جداییت خاص او را در دوران جوانی فاقد است.

اما هنگامی که او به تو کومان وارد شد بیش از سی سال نداشت و قاعدتاً میبایست ملاحظت خاصی دارا بوده باشد زیرا در سراسر طول زندگی طوفانی خود همواره برای خود بواسانی دوستان و هم دستانی پیدا میکرد.

ستوان راهب در خانه اسقف با همان نام آلونسو دیاز رامیرز دو کوزمان کشیشی بنام آتویو دو سرواتس آشنا میباید کرد و او را سخت فریفته خود ساخت.

طولی نکشید که کشیش ابراز علاقه برای همسری برادر زاده خود با او کرد و کاتالینا نیز بروی مبارک خود تیاورد و با حیلگری ابراز موافقت کرد.

قرارد نامزدی گذاشته شد و جویزیه سرشاری بدختر داده شد. بعنوان پیش پرداخت چنان کشیش به «داماد» یک دست لباس اطلس مشکی اهدا کرد و مرسوم نیرباتقیم «دوازده عدد پیراهن، دوازده شلوار سواری نخی، دویقه بسیار شیک و ظریف، یک دو جین دستمال و دو دست اشرفی در یک بشقاب» مراتب محبت و علاقه قلبی خود را ابراز داشت.

شب بعد از دریافت هدایا کاتالینا بسا فراد خود بشهر پوتوسی واقع در بولیوی امروزی خواب و خیال خوش تازه مرسوم را برهم زد و او را از اشتباه بیرون آورد.

در بین راه ستوان راهب مردی را که خیال دستبرد باو داشت بضر بکارد از پا در آورد.

نود و خشم داری تازی پیدا کرد، بسا کارگران او دست بیکی کرد و با هم او را بادشته بدنیای دیگر فرستادند.

بعدها او در تیردی که دولت بر علیه قیام کنندگان و شورشیان آغاز کرده بود شرکت جست و چنان با بیباکی و تهور جنگید که او را به مقام

دستخاری ریاست کل ستاد مفتخر ساختند > و این مقامی بود که او مدت دو سال تمام تصدی کرد و در طول آن بکرات شجاعت خود را بنصه ظاهر رسانید و او در لشکر کشی های دیگر هم مشارکت کرد و به شوکیاگو، گاراکاس و کوشابامبا هم مسافرت هائی کرده سر انجام به پوتوسی بازگشت.

در این هنگام بود که باز فیلش باد هندوستان کرد و مرض قدیمی قمار در او عود کرد. دارو و نادر خود را در قمارخانه ها بر سر بازیهای مجاز و غیر مجاز روزگار خود گذاشت و چون سایر سربازان دل بدویازد و از این رهگذر به باز آوردن اقبال گریز یا کوشید و بر سر این هوس دست از ورق و قاپ و هر نوع بازی دیگر فرو نگذاشت. شبی از شهادت کاراکاس سه تاجر مجبور شد کردند که با آنها ورق بازی کند و او با وجود آنکه متوجه شکستگوشه ورقها شد بیازی تن داد. او از هر خطری استقبال نمیکرد چون بقوی از خود نمیتوانست دفاع کند.

کوبا متقلین در قمار در آن روزگار هم مثل ایام ما برای سرکشی کردن طرف خود از متد مخصوصی استفاده میکردند و اول بطرف امکان بر میدیدند تا آتش ولع را در او تیر کنند و بعد هم تمام برد های طرف را با اضافه داد و نده از او از چنگش بیرون میکشند. اما ستوان راهب بقوی راه مقابله این سیاست رامیدانست. او بعضی اینکته مقدار قابل ملاحظه ای برد از دامه بازی امتناع ورزید. تاجر ها خشنک شدند و رقهارا روی صورتش پرت کردند و از اهانت باو در بیخ نورزیدند. او که اصولاً آدمی زود خشم و ستیزه جو بود بلافاصله یکی از آنها را با کارد از پا در آورد اما زو تن دیگر بی مهابا با چاقو بجانش افتادند. یکی دیگر از تاجر ها را هم گشت و اما سومی توانست با وضرباتی کاری وارد آورد

توقیفش کردند و پنج ماه تمام در زندان نگاهش داشتند. در این فاصله زخمهایش التیام یافته بود. پس از یک ماه که او را به شیلی تبعید کردند اما چون او بخوبی میدانست که در شیلی چه چیز انتظارش را میکشد بتوسل بجمیع وسائل ممکنه کوشید تا از انتقال او به شیلی صرف نظر کنند اما در این موقع خطرناک زنی خرزید که کاتالینا او را روزگاری از شر خشم شوهر حسودش رها ساخته بود و این زن توانست با تضمین اینکه او شهر را ترک کند حکم محکمه سابق الذکر را بلا اثر سازد. بلافاصله کاتالینا به لیما رفت، از کالو با کشتی به پاناما مسافرت کرد، باز به لیما

اسلحه برای خاور میانه

چه مقدار - چه وقت - چند؟

وقتی که انسان بواشکنن آمده وبا روزنامه نگاران و انفرادی که با اعضاء وزارت خارجه رابطه مستقیم دارند تماس میگیرد فوراً پابن نتیجه میرسد که وزارت خارجه دیگر اختلافات یهود و عرب را یک موضوع دور افتاده ای تلقی نکرده و بلکه اثرات آنرا در دروازه های امریکا احساس میکند و از طرفی میتوان گفت که مهاجرات و کشمکش های یهود و عرب یکباره بیک بحث امریکائی و روسی مبدل شده است.

تجاوز مسکوئیها
تا امروز موضوع آلمان تنها عاملی بود که بین امریکا و اتحاد جماهیر شوروی تفرقه انداخته و با ایجاد جنگ سرد و پزداننه ای در روابط دوستانه آن ها تزلزلاتی را بوجود میآورد حتی پس از کنفرانس ژنو این جنگ سرد سیاسی همچنان ادامه یافت.
واشنگتن مایل است که آلمان متحد و سیاست های ممالک غرب را پیروی کرده در حالیکه مسکو میکوشد که آلمان وسیله ای برای بخش و توسعه دکومونیزم در مغرب اروپا باشد. و اکنون روسیه با سیاست جدید خود در خاور میانه آتش جنال یهود و عرب را بنحوی دامن زد که موجب اختلاف بیشتر و شدیدتری بین خود و امریکا گردید.

شورویها بانفوذ خود در مصر شروع بشوسه دائره فعالیت های خود نموده و با پیشنهاد اسلحه و کک های قنی اقتصادی و فرهنگی بمالک عرب میکوشند که در منطقه مزبور مقام عالی تری را برای خود حازر شوند و میتوان گفت که فعالیت های آنان در مقاصد فوق بلا اثر نبوده است.

در کدام راه
واضح است که وزارت خارجه امریکا اکنون که با این موقعیت مواجه شده خود را ملزم بیک فعالیت سیاسی ساده و سریع میداند و اکنون بایستی دانست که این فعالیت سریع بچه نحو و طریقی بایستی عملی شود.
آیا بایستی نظر اعراب را بخود جلب کرده و اسلحه بیشتری را از آنچه که روسها پیشنهاد کرده اند پیشنهاد نمایند؟ بایستی اسلحه بیشتری در اختیار اسرائیل نهاده تا بدین وسیله با اعراب ثابت کند که از معامله خود با مسکوئیها نتیجه ای حاصلشان نخواهد شد؟ بایستی تا آنجا که از عهده واشنگتن برمی آید ممالک عرب و یهود را مجبور بصلح نماید و بالاخره بایستی بتصویب قانونی که از سازمان ملل مبادرت ورزید که در نتیجه آن هیچ مملکتی که عضویت سازمان



تقل از مجله انگلیسی جریش کرو نیگل صفحه ۸

سیرودیان در جهان

غزل غزلیات حضرت سلیمان
در جلسه منعقد دو روز دوشنبه ۲ دسامبر در انجمن بانوان دایمی کوبول روزن شرح مسوطی در اطراف کتاب غزل غزلیات حضرت سلیمان بیان نموده و اظهار داشت که این کتاب بیشتر معنی مجازی است و مراتب محبت خداوند متعال را باملت اسرائیل بصورت ترانه های عاشقانه ذکر مینماید.

همه میدانند که این کتاب از تالیفات حضرت سلیمان است و کلیه دانشمندان مؤلف کتاب تلود وحتی مایموند فرموده اند که این کتاب را نباید بصورت ظاهر آن گرفت بلکه باید معنی مجازی آن توجه داشت و حقیقتاً شکفت انگیز است که چگونه سرگذشت ملت یهود از زمان خروج از مصر تا هنگام آبادی مبدع قدسی اول و همچنین تامل مدتی بعد از آن با عباراتی شیرین و دلکش و معانی عرفانی دلپذیر در ظرف هشت فصل مختصر در این کتاب مهم گنجانیده شده است و حتی ربی عقیبا

متنقد بود که هر چند تمام صحایف کتاب تورات مقدس میباشد کتاب غزل غزلیات را باید قدس الاقداس دانست و پس از تورات حضرت موسی (ص) و زامیر حضرت داود (ص) کتاب فوق الذکر جالب توجه ترین صحیفه تورات مقدسه محسوب می شود.

انجمن دوستی یهود و مسیحی در لندن
از چهارده نفر اعضاء این انجمن نیوی یهود و مسیحی میباشد که اسقف اعظم انگلیس و دکتر هرتراب اعظم انگلیس در آن شرکت دارند در انجمنی که اخیراً دایر شد دکتر فیشر اظهار داشت که باید جدیت نمود افرادی از کلیسای کاتولیک روم در این انجمن دعوت کرد تا مسائل فیما بین در محیط دوستی و صمیمیت بیشتری حل گردد.

چند کلمه راجع به یهودی بیجان
رهبران یهودی لهستان هنوز میکوشند بدنیای خارج بفهمانند که سیاست شوروی

نست به یورو بیجان هنوز هم عوض نشده و هنوز هم بان بچشم یک ناحیه یهودی خودمختار نگاه میکنند.

هفته گذشته روزنامه «صدای ملت» در ورشو مهمترین ارکان نیدیش ضمن مقاله مفصلی شرح زندگی یهودیان را در این ناحیه در معرض افکار عمومی گذارده و عکس یک تبر بست که روی آن نوشته «بیرو بیجان ناحیه عیسویان» را چاپ کرده است و علت درج این مقاله جوابی بود به یکنفر روزنامه نگار یهودی در امریکا که گفته بود «بیرو بیجان دیگر ناحیه یهودی نشین تلقی نمیشود» روزنامه صدای ملت میگوید این اتهامات خلاف واقع فقط برای مبارزه با دولت شوروی است که در این اواخر رفتار خود نسبت با اسرائیل عوض کرده و اسلحه با اعراب فروخته است.

منظور دیگر اینکه هر چند دولت شوروی نمیکند هیچگونه تماسی بین یهودیان شوروی با یهودیان خارج صورت گیرد ولی فقط تماسی بین یهودیان لهستان با یهودیان بیرو بیجان وجود دارد. اتفاقاً یکی از مخبرین صدای ملت اخیراً اجازه یافت از روسیه شوروی دیدن کرده و

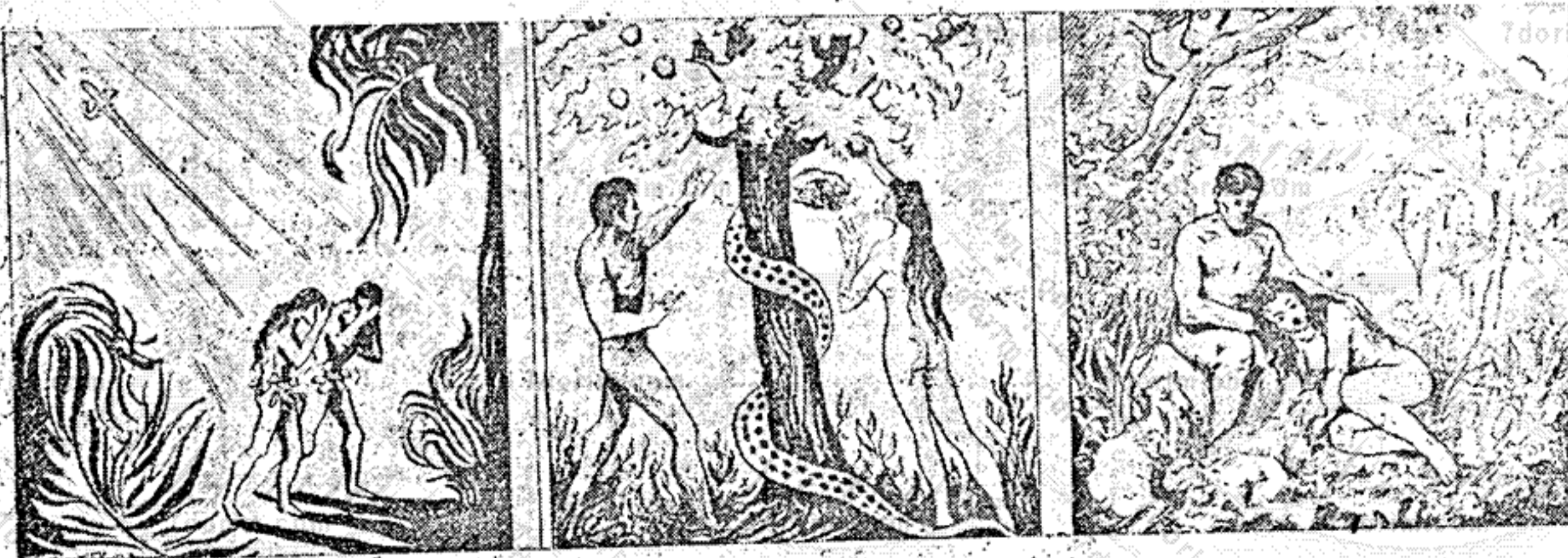
بقیه در صفحه ۱۶

داستان مصوری

از تورات



پیدایش خلقت: برآشیت برآ...



آدم و حوا در محیط آرام باغ بهشت زندگی میکنند
آدم و حوا با خوردن میوه ممنوعه باغ بهشت خود را مغفور در گناه خدا ساختند
مورد خشم خدا واقع شده و از باغ بهشت رانده میشوند
دنباله دارد



ز «مراد»

(گنج بی رنج)

دردا که درد هجر بدرمان نیرسد
صبری گذشت بر سر جان کندن و هنوز
سامان و سربکار هیخواستم دهم
جان دانیاز ناز تو کردیم وی خبر
بلبل بآه و ناله وکل در فسونگری
یعقوب رابگوی زمهرش کزیر نیست
هم روی خوب خواهی وهم خوی خوب وین
مردانه هستی نکند موراگر، مگو
کنج «مراد» بین که چای رنج می برند

«ملك الشراء بهار»

آمد زکوی بلیس آن همد خجسته
آن عقده خم زلف، لایبعل است لیکن
اسرار زلف جانان ای مدعی زمن پرس
برک گل است رویش، وان هاله کرد عارش
باشد دهان تنکش مانند پسته خندان
عقل و صلاح و تقوی هر یک بکنجی افتاد
بستی بگرد لاله یکدسته سنبل بر

نظم «بهار» امشب، مقبول انجمن نیست
کی شعر سالم آید، بیرون ز طبع خسته؟

صغیر اصفهانی

صغیر ازلت تو گویند، دل و شانه بهم
می نایند دوام گفته، ره خاشه بهم
سوختم ز آتش عشق تو، ولی خرسندم
که رسیدیم در این ره، من و پرايه بهم
آشنای تو، بدل غیر تو را ده دهمد
که سازند بیه خانه، دو بیگانه بهم
حرمت کوی تو، کرشیخ و برهن پایند
نفروشند دگر، کمه و پنهان بهم
شیخ را پای به پیمان زده ام، ساقی کو؟
تا رساند لب من با لب پیمانم بهم
دوستان بهر من از حالت میخون گویند
که خوش آید غیر حال دو دیوانه بهم
دوقیامت برهش باز فرو ریزم جان
افتد آنجا چو گذار من و جانانه بهم
کمتر از جند و غراب اهل جهانت «صغیر»
که سازند در این منزل ویرانه بهم



یهودیان در سفر مین

مقاله ای که بنظر خوانندگان عزیز میرسد بقلم مورس اورباخ یکی از نایندگان مشهور پارلمان انگلستان است که در شماره گذشته مقاله مشروحه از وی درباره یهودیان چین به نظر خوانندگان عزیز رسید مورس اورباخ پس از بازدید مفصلی که از مصر بعمل آورد این مقاله را درباره یهودیان این کشور برشته تحریر در آورده است و اطلاعات جالبی از وضع اجتماعی و جمعیت یهودیان مصر در دسترس ما قرار میدهد

مراسم ازدواج

آخرین روزهای مسافرت من در مصر سیری میشد. روزی موقعیکه از خیابان عدلی پاشای قاهره عبور میکردم سردر یکی از کنیساها که با پرده زردوزی شده ای مزین شده بود نظرم را جلب کرد. عده ای در مدخل در ایستاده بودند و تازه واردین را راهنمایی میکردند. بمجردیکه آنها را از یهودی بودن من اطلاع حاصل نمودند با اصرار و خواهش زیادی مرا دعوت نمودند و معلوم شد که آن شب جشن ازدواجی در آنجا بر گزار میشود. عروس و داماد در صندره مجلس ایستاده بودند و در دو طرف آنها اقوام نزدیکان بصورت دو خط موازی قرار گرفته بودند و مهمانانیکه وارد میشدند با آنها تبریک و تهنیت میگفتند و چیزی از ورود آنها نگذشته بود که با مهمان نوازی عجیب خانواده داماد مواجه میشدند زیرا از قدیم در بین یهودیان این کشور چنین رسم است که مهمانان تازه وارد موقعیکه از بین دو صفی که ذکر شد می گذرند باید از مقابل هر کسی که رد میشوند مقداری نقل که در ظروف بزرگی قرار گرفته است بردارند و در غیر این صورت یعنی اگر شخصی اینکار را انجام ندهد نزد آنها توهینی محسوب میشود چون یهودیان این کشور شیرینی را نشانه دوستی و محبت میدانند. پس از مراسم مفصلی که بر گزار گردید سخاوت بزرگ جامعه که قیافه ای نورانی و پرباهت داشت در حالیکه بواسطه کوری هر دو چشم از دیدن قیافه های خوشحال عروس و داماد محروم بود مراسم مذهبی ازدواج را انجام داده آن دو زوج جوان را برکت نمود.

اشتباه بزرگ

من با سخاوت بزرگ این شهر که ضنا

رهبری جامعه یهودیان مصر را بر عهده دارد و عمر خود را وقف خدمت باین جامعه نموده است ملاقات نمودم. ناموم افندی این خدمتگزار و خادم نایبنا اظهار داشت که مشکلات سیاسی و اجتماعی باعث شده است که وضع اجتماعی یهودیان این کشور از چند سال پیش تا بحال بغلطریه بیفتد و خاطر نشان ساخت که از موقع روی کار آمدن حکومت ژنرال عبدالناصر چند بار موفق شده است که با وی ملاقات نموده و در اشتباه دولت مصر در موضوع فشاریکه به یهودیان این کشور در تلافی شکستهای که در جنگ فلسطین نصیب شده است، میسازد مذاکره نماید.

وضع اجتماعی

تا سال ۱۹۳۹ قریب ۸۵۰۰۰ نفر یهودی در مصر سکونت داشتند ولی امروز آمار صحیحی از جمعیت یهودیان این کشور در دست نیست. طبق آماریکه چندین پیش منتشر گردید جمعیت آنان ۳۵۰۰۰ نفر اعلام شده بود و احصایه دیگری که ا جمعیت یهودیان در مصر بدست آمده رقم ۵۵۰۰۰ نفر را نشان میدهد از این دو احصایه میتوان نتیجه گرفت جمعیت یهودیان در این کشور بعد تقریبی ۴۵۰۰۰ نفر بزرگتر است. بیشتر این عده در شهرهای قاهره و اسکندریه زندگی میکنند که عده ای از آنها به تجارت اشتغال دارند و بعضی در ادارات دولتی و بانکها مشغول بکارند. من مدتی از وقت خود را نیز صرف مطالعه در وضع معله فقیر نشین یهودیان که در نزدیکی بازار بزرگ قاهره قرار دارد نمودم. در این قسمت از دریا نگاه و دارالساکنین که بوسیله یهودیان برای فقرا ساخته شده دیدن کردم.

کوی این شهر که در قلب آن قرار گرفته و با وجود فقر مالی که یهودیان این قسمت دارند از لحاظ بهداشت چندان در مضیقه نیباشند.

زیرا در مانگاهای که برای مریضهای فقیر در این ناحیه ایجاد گردیده احتیاجات این عده را از لحاظ دارو و وسایل بهداشتی بر طرف میسازد.

با وجود اینکه مراجعه یهودیان بدرمانگاههای دولتی خالی از اشکال نیست ولی کلینیک کتوی یهودیان درهای خود را بروی هر مریضی گشوده است موقعیکه از یکدکتر یهودی که مشغول معاینه یک پیر مرد مسلمان مصری بود دلیل عدم انجام عمل متقابل را پرسیدم در جواب اظهار داشت که ما برای خدمت بشریت این وظیفه مقدس را بر عهده گرفته ایم نه آنکه مانند بعضی فقط فقط و فقط بخواهیم سود ببرد ازیم.

حتی قانون کار در این کشور برای یهودیان تبعیض قائل شده است زیرا بموجب این قانون در کارگاهها و ادارات دولتی کارمندان غیر یهودی بر یهودیان مقدم هستند.

باعث تاسف است در دوره ای که بشر تا اندازه ای رشد فکری پیدا نموده که دیگر نه تنها تبعیضات نژادی پذیرفته نمی شود بلکه با آن مبارزه میشود در کشوری تبعیضات نژادی باندازه ای وجود داشته باشد که کارگری را بر کارگر دیگر ترجیح بدهند.

بدون کمک

با وجود آنکه یهودیان این کشور با مشکلات زیادی چه از لحاظ اجتماعی و

رنگی که بآن خیره شده بودم آدرس من نوشته شده بود این نامه هم مانند همه نامه های که بمن میرسید از طرف شوهرم بود با این تفاوت که خاطرات گذشته از لابلای سطوری که در آن بسود زنده میشد ناراحتیها ورنجها از بین میرفتند و بجای آن مسرت و شادی خوشحالی و شرف جایگزین میشدند... چنگ پایان یافته و شوهرم دوباره بسوی خانه و کاشانه خود برمیگردد... فرزند نشناخته ای را که بعد از رفتن او بدنی آمده است در آغوش میگیرم و با خاطرات شیرین و لذت بخش گذشته را از سر خواهیم گرفت آری هیچ نیرویی دیگر نخواهد توانست ما را از هم جدا کند... یاد اینکه بازم یکچند ماه عمل ناتمامی را که چنگ اماش نداد تکرار خواهیم نمود و استیو پس چند ساله ام روی زانوی پدرش بخواب خواهد رفت همه آنها یکتو آرامش و اطمینانی بمن میبخشند اطمینان باینده شیرینی که در انتظار ما بود.

یادم میآید وقتی جورج ازمین خواستگاری کرد هنوز مدرسه را تمام نکرده بودم آنروزها چنگ شروع شده بود و با نظرف دریاها بجائی که مثل آرزوهای من دور بود رهسپار گردیدم... بعد از رفتن او همه چیز تغییر کرد من دائما در حال انتظار بسر بردم انتظار اینکه نامه او بمن برسد و خبری از سلامتی او دریافت کنم. اشک و غم مونس من بود یاد اینکه جورج فرستگها ازمین دور است و در میان آتش و خون هر لحظه هم خطر مرگ برای وی وجود دارد چنان معذب و دردمند نموده بود که آنی از خیال و یادش غافل نمیماند همچنین نامه او وقتی بمن رسید که پس از یک ناراحتی و کسالت کسوتاه خانم پاترستون که دکتر من بود گفت که بزودی صاحب فرزندی خواهیم شد.

وقتی رادیو اخبار چنگ فرماندهی را بخش میکرد و گوینده شرح نبرد خونین آنرا با آب و تاب میگفت فهمیدم که جرج نیز در جزو جنگجویان جبهه خطرناک فرماندهی است این روزها مصادف با تولد استیو پرسفید و چاق ما بود.

هز شب وقتی ماه خیره خیره ب صحنه های فجایع و آدمکشی چنگ مینگریست و پرده سیاهی بروی دنیای پراز آتش و خون میکشید برای سلامتی جورج دعا میکرد و از خدا میخواست که او را سلامت بمن بازگرداند.

دعاها و اشکهای من و دیگر کسانی که عزیزان خود را بجبهه های چنگ فرستاده بودند مستجاب و بالاخره چنگ تمام شد اما جورج دو هفته بود که در بیمارستانهای آلمان بستری بود یک جراحت کوچک بوی صدمه زده و چندی حرکت او را بتأخیر انداخت ولی خوشبختانه چنگ هنوز در بعضی از نقاط ادامه داشت که جورج بنزد ما برگشت... هرگز فراموش نمیکنم روزی را که من با پدر و مادرم همراه استیو با استقبال او رفته بودیم من از خوشحالی گریه میکردم و منتظر بودم که اشک شوق را در چشمان جورج نیز مشاهده کنم - او زیاد تغییر نکرده بود ولی کسی پیرتر و پرتجربه تر بنظر میرسید مادرباره گذشته زیاد بهم صحبت نمیکردیم.

زیرا فکر اینکه هرگز بین ما جدایی نخواهد افتاد اطمینانی بی پایان بمن بخشیدوی بزودی بسرکار خود برگشت و زندگی شیرین گذشته را از سر گرفتیم اما متأسفانه در سیامی رانه اش گاهگاهی نقش ناراحتی و پاس را مشاهده می کردم و سعی داشتم با علاقه و همتی که بوی داشتم جدا شده را از چهره او پاک کنم.

بگرو هنگامیکه من و استیو از بازار بر میگشتم محل نامه ها

پاکتی باسم او رسیده بود تبر آلمان داشت. در وهله اولی کردم که این نامه را یکی از دوستان جورج که شاید هنوز هم در بیمارستان برمی برد برای وی نوشته است ولی وقتی آنرا باز کردم ناخیز در بامین کاغذ بود... «کلارا هلت» نام آدرس خیابان و شهری را هم که نامه را از آنجا فرستاده بودند بچشم میخورد... نامه در در میلزید... کلارا هلت با جورج چکار داشت... بی اختیار زانوهایم بلرزه افتاد تنها چند کلمه اول نامه را خواندم نوشته عشق من جورج عزیز... دیگر نفهمیدم همینقدر تبر پاکت را چسباندم آنرا بجای خود گذاشتم ولی طوری که معلوم نشود قبلا کم آنرا مطالعه کرده است.

اضطراب، لرزش، ناراحتی سرتاسر وجودم را فرا گرفت هر از و خیال و هیولا در مغزم نبرد می کردند با خودم میگفتم که با ما درست نخواهد بود... شاید اشتباه کرده ام شاید کلارا هلت یک نیرز یک برستاریایک... نه حتما وی یک دختر خوشگل آلمانی است که جورج را شیفته خود کرده است و دیگر نمی توانستم طاقت بیارم هرگز بود خودم را راضی کردم که وقتی شب جورج بنزل برگرد و نامه را بخواند همه چیز را بمن خواهد گفت آنشب وقتی از بنزل برگشت هیچ اشتباه نداشتم با شکل می توانستم خودم را کثیر کنم اما او خیلی خندان و خوشحال بود استیو را زانوهایم را گذاشت و با تپقه گفت ژاسیت من خوشبختم اینطور نیست با داشتن استیو و کسی را خوشبخت تر از خود تصور نمیکنم ولی تو خواست مراد آتش بگیرد بی اختیار خود را از میان بازوان بیرون کشیدم اولین باری بود که احساسات و علاقه او را درمی کردم جورج موضوع را بروی خودش پیاورد سیکاری از جیبش بیرون آورده و مشغول کشیدن شد و با آهنگ ارزان گفت نامه ای نداشتم برای اولین بار با دروغ گفتم بایک زهر خند تلخ در جوابش گفت من اطلاعی ندارم در حالیکه میخندید بجلی که بستگی نامه را در انداخته بود روان شد ابرشک و سوءظن از آستان خیال من آهسته محو میشد خیال میکردم تا یک لحظه دیگر خوشبخت ترین دنیا خواهم بود زیرا جورج همه چیز را بمن خواهد گفت اما آن یک لحظه هم سببری شد... و جورج باز نکشت.

وقتی باطاش رفتن و بلند بلند او را صدا کردم جزانکه صدای ارزانم جوابی نشنیدم از بیرون رفته بود حتما من بوط نامه بخاطر تقاضای خانمی که برایش عاشقانه جمله بردازی کرده بود منزل را زانو کرده و رفته بود.

میخواستم بدنبالش از اطاق خارج شوم فکر کردم که هر او را نخواهم دید... احساس باینکه وی را از دست خواهم داد این خیالات واقعی و بیپوده اقلب پراز شک و تردید و منفز ناراحتی میگذاشت و عذابم میداد با جبار خودم را با شیخ خانه انداختم و به نظرها پرداختم - استیو مشغول بازی کردن بود هنگامی که مرا آشیخ خانه دید بکنارم آمد و گفت پدرم کجاست... حس کردم که ناراحتی من بستگی درجه خود رسیده است با آرامی گفتم بزرگ بر خواهد گشت... گفتم که او باطاش برای خوابیدن برود زیرا حوصله بازی کردن با وی را نداشتم. خستگی و ناراحتی فکر خیانت شوهر. عذابم میداد فریاد زانم گفتم استیو برو بخواب چه هستی. طفلک این اولین دفعه بود که اینطور با او صحبت میکردم اهک دیگر مجال فریاد دیگری را نداد صورتش را میان دستهایم کرده و مشغول گریستن شدم روی قبر آرزوهای بریاد رفته ام

عشق و خیانت

ترجمه - نهدین تندجی



گودگان عجیب

ژان لوئیس این بیجه عجیب فرانسوی در سن سه سالگی خط رومی میخواند. در سن چهار سالگی همین زبان را بفراسه و انگلیس ترجمه میکرد. در سن شش سالگی زبانهای عبری و یونانی و هینتپور تاریخ و جغرافیا را میدانست و در سن هفت سالگی قوت کرد. ویلی جیسی امریکائی در سن هشت سالگی به شش زبان تکلم نموده و راجع بموضوع «آبعاد چهارگانه» سخنرانی کرد ولی بسا این تفصیل در سن ۲۵ سالگی فقط هفته ای ۱۴ دلار حقوق میگرفت.

پیتروویس این بیجه عجیب انگلیسی در سن ده ماهگی کانلا صحبت میکرد و در سن دو سالگی خواندن و نوشتن آموخت و امروزه او میتواند فصول کاملی از هر کتاب که فقط یکدفعه آنرا خوانده باشد از حفظ بگوید.

آمبر و کانسوس یکی کاشف شدت جریان برق و دیگری از ریاضی دانهای بزرگ دنیا هر دو راه ترقی خود را در سن سه سالگی شروع نمودند.

موزارت موسیقی دان معروف در سن ۱۵ سالگی آهنگ مینوشت توماس مکلی از پژوهشگرین مسودخین انگلیسی ژان راسکین و هینتپور باسکال ریاضی دان مشهور انگلیسی اینها نیز بیجه های عجیبی بودند. منتها با این تفاوت که این نبوغ عجیب حتی در سنین بلوغ و سالهای بعدی نیز از آنها دور نشد.

از - کهن

«کلارا هلت» چه میتوانستیم بکنم این مجبور بودم که برای من لاینحل مانده بود بطور میتوانستیم حل کنم آیا وی همیشه در پرده ابهام خواهد ماند آیا جورج بشق و خیانت خود بیک دختر آلمانی اعتراف خواهد نمود آیا جورج بیگناه است...

بوسه او مجال فکری بیشتری بمن نداد شک و تردید یک لحظه محو و نابود شد برق چشمانش بساطمینان میداد و مژگانهای سیاه استیو که بروی چشمان بخواب رفته او اقتاده بود تمام آن خیالات را که می پنداشتم واهی و بی اساس است از بین برد.

اما نپیدانم چرا تمام شب این خیال مرا ریخ میداد که... در یکی از شهرهای آلمان... یک دختر آلمانی شوهر من عشق و آرزوی مرا از دستم بود و بین من و زندگی فاصله انداخته است.

آیا این یک حقیقت تلخ بود؟

متأسفانه آری...

دنیا له دارد



شاگرد تبیل
 مجله «ریدرز دایجست» از قول «پول کوهلر» استاد دانشگاه برلین چنین نقل میکند من هر هفته چند ساعت در دانشگاه تدریس میکنم یکی از خاطراتی که تا هر دارم فراموش نخواهم کرد واقعه مضحکی بود که اخیراً برایم اتفاق افتاد. در میان دانشجویان کلاس دانشجوی تبیل و فضولی است که اصولاً از فیزیک و شیمی چیزی سرش نمیشود.

روزی در کلاس در مورد توازن اشیاء و اجسام بحث میکردم، شاگرد تبیل قانع نمیشد و دائماً سئوالات عجیب و غریبی میکرد، بالاخره گفتم: این موضوع را یک کودک دوساله هم میدانند که یک کیلو پنبه و یک کیلو آهن هر دو هم وزن میباشد! شاگرد من جواب داد:

استاد محترم اگر من آزمایش نکنم قانع نمیشوم شما در حیا با بستید و من از اینجا (طبقه سوم دانشگاه) یک کیلو پنبه و نیز یک کیلو آهن بخرتان بیاندازم تا ببینم سنگینی آنها چقدر متعادل است؟ راستش نخواهید دیگر باین شاگرد تبیل و فضولی چیزی نگفتم.

اطلاعات

نورمان هوآیت «امریکائی اصلا در زندگی خود شانس نداشت. هنوز دوسه روز از استخدام او در یک کارخانه مابون-ساز میگذشت که زنک تلفن صدا کرد و ورئیس کارخانه کوشی را برداشت و شخص ناشناسی با او چنین گفت: «آقای رئیس، من یکی از خیر خواهان شما هستم و میخواهم خودم را معرفی کنم. از قرار معلوم شما اخیراً شخصی را بنام نورمان هوآیت استخدام کرده اید. وی شخص خطرناکی است و چون آدم کشی دارد.

اگر بچنان خود علاقمند هستید هر چه زود تر عذرش را بخواهید.» رئیس کارخانه که از شنیدن این مطلب بوخست افتاده بود همان روز با نهایت احترام و مهربانی نورمان هوآیت را از کارخانه خود بیرون کرد و مبلغی مبالغه آمیز به حقوقش بوی داد. نورمان هوآیت حالاً در زندان است اما نه بخاطر چگون آدم کشی، بلکه باین

دوربین عکاسی مبلغ گرانی پول دریافت میکند.

او مدل عکاسی عکاسان معروف انگلیس است و با اینکه هر ماه مبلغ هنگفتی در آمد دارد و هر هفته صدها تقاضای ازدواج دریافت میدارد و جوانان مثل پروانه دور شمع وجودش میگردند باز از زندگی خود ناراضی است.

جهت که گوش چندین مدیر کارخانه و موسسه را به همین طریق بریده است... زیرا شخص خیر خواه ناشناس کسی جز خود او نبوده است! «فردوسی»

استفاده از حرارت خورشید
 اخیراً در ایالت جورجیا واقع در امریکا تلفنی اختراع شده که نیروی آنرا نور خورشید تشکیل میدهد.

این نخستین بار است که یک جریان تلفنی بوسیله حرارت خورشید برقرار میگردد. برای استفاده از حرارت آفتاب باتری خورشیدی را در بالای یک تیر تلگراف هشت متری قرار میدهند و بوسیله آن حرارت را جذب مینمایند.

در پائین تیرها دستگاهی تعبیه شده که حرارت اضافی را در روز ذخیره میکند تا هنگام شب که آفتاب نیست ارتباط تلفنی متوقف نگردد.

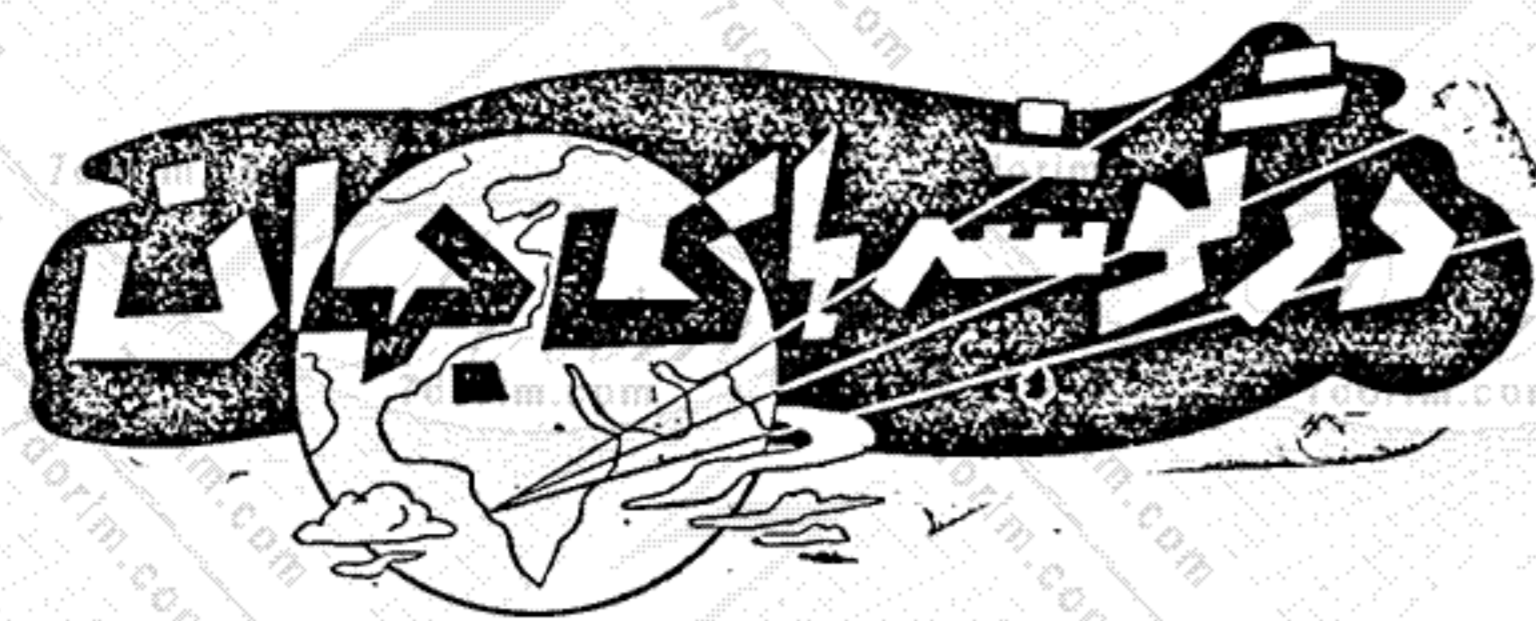
از محسنات آن دستگاه آنست که هیلاوه پرازدانی قیمت کمتر در معرض خراب شدن است و بطوریکه متخصصین پیش بینی میکنند پس از آنکه بدقت نصب شد تا مدت مدیدی بدون آنکه احتیاج تعمیر و مرمت داشته باشد کار خواهد کرد.

متخصصین مزبور همچنین اظهار نظر میکنند که در آینده استفاده های بیشتری از حرارت آفتاب و باتری های خورشیدی خواهد شد تا آنجا که نه تنها رادیو های کوچک قابل حمل و نقل که با حرارت خورشیدی کار خواهد کرد ساخته خواهد شد بلکه ماشین هایی بوجود میآید که با نیروی حاصل از حرارت آفتاب بکرات دیگر منتقل خواهد گردید.

گروهی از دانشمندان معتقدند که حرارت خورشید با انرژی اتمی برابری میکند. این دختر از شهرت بیزار است او معتقد است که مردان حقه باز هستند و بهمین جهت تا بحال ازدواج نکرده است «بتی کوپر» دختر دلفریب و وطنزای است که برای هر بار ظاهر شدن در مقابل

روشنفکر

این دختر از شهرت بیزار است او معتقد است که مردان حقه باز هستند و بهمین جهت تا بحال ازدواج نکرده است «بتی کوپر» دختر دلفریب و وطنزای است که برای هر بار ظاهر شدن در مقابل



زیبایی و هنر



آتن
 آگاهان ستاره ای در آسان هنر آتن شروع بدرخشیدن کرد و یک رقیب سرسخت دیگر برای لولو بر بییدا و سوفیا لورن پیدا شد. ایشاء روی فتان که با هنر و زیبایی خود دنیا را متعجب نموده ماریا پاولویک دوشیزه زیبای یهودی است که بیش از ۱۸ سال از سنش نیکتارد و لولو بر بییدیای یونان لقب یافته است چشم عمده ای از جوانان را پسوی خود دوخته و قلب آنها را با دلرباییهای خود به طیش در آورده است. ماریا با وجود آنکه تابعال در بیشتر از چند فیلم شرکت ننموده معذالک شهرت زیادی بدست آورده است.

ماریا در یک خانواده فقیر بد دنیا آمد و بدینجهت از دوران کودکی مجبور بود بوسیله کار کردن زندگی خود را اداره کند و در همین ایام پدرش بدرود حیات گفت، او از سن ۲ سالگی به کل فروشی در خیابانها پرداخت و تا ۱۱ سالگی باین کار اشتغال داشت.

در این هنگام بود که ستاره اقبال او درخشیدن گرفت و در یکی از جشن های خیریه که بنفع بینوایان داده شده بود جلب نظریکی از کارگردانان سینمایی را نمود

و بوسیله او وارد صحنه سینما شد در حالیکه سنش از ۱۱ سال تجاوز نمیکرد. ماریا اکنون مشغول مطالعه درباره درخواستی است که از طرف استودیو فیلم برداری وادرد درباره دعوت او به یولیود رسیده است.

نیویورک ورزش و افتخار
 یک دوشیزه یهودی بنام آنجیلا بوکتون که در مسابقات تنیس یکنفره انگلستان مقام اول را حاز شده بود در مسابقاتی که در نیویورک برگزار گردید موفقیت های زیادی بدست آورد.

در مسابقات تنیس دو نفره زنان که با قهرمانان این کشور انجام گرفت این ورزشکار توانست زبردستی و مهارت خود را تا اندازه ای نشان دهد. بوکتون در مسابقات قهرمانی جهان که بوسیله موسسه بان امریکن ترتیب داده شده بود توانست بیک یک تنیس باز دیگر مقام قهرمانی تنیس دو نفره زنان را بدست آورد. وی تصمیم دارد که در مسابقات مکایاد (مسابقاتیکه هر دو سال یکبار بین یهودیان تمام جهان برگزار میشود) شرکت کند. اکنون بوکتون خود را برای شرکت در مسابقات تنیس آسیایی که تا چند روز دیگر در هندوستان برگزار میگردد آماده میکند.

تل آویو: تاج نیکوکاری



خانم وایزمن زن رئیس جمهور نئید اسرائیل پس از یک مسافرت چند هفته ای که به خرج خودش صورت گرفت با اسرائیل

بازگشت.

وی در این مسافرت از انجمن های خیریه انگلستان دیدن کرد و در ضمن آن برای جمع آوری امانه بنفع این انجمن ها کنفرانسهائی ترتیب داد. مشارالیه همچنین بانجمن مبارزه با سل در این کشور که خود یکی از بنیان گذاران آن بشمار میرود کمک مالی نموده و کوشش هایی را که در دوره مبارزه با مرض خاندان برانه از سل صورت میگردد ستود. واپس من خود تاج هلم و سیاست بر سر نهاده بود و همسرش با تاج نیکوکاری که بر سر نهاده است هر لحظه خاطره این دامره بزرگ را در ذهنها زنده میسازد.

پاریس: جنک و صلح



مردم هنر دوست فرانسه تا هفته قبل شاهد هنرنمایی دو دوشیزه یهودی بودند این دو نفر هنرمنته که با نمایش دامن رقص های ملی اسرائیل چشم همه ای از مردم این کشور را خیره کردند رینا و ژاهاوا دو خواهر یهودی هستند که متولد اسرائیل میباشد.

هفته قبل موقعی که این دو خواهر هنرمنته متول مسافرت در شهرهای مختلف فرانسه و دادند نمایشاتی بنفع انجمن های خیریه یهودی این کشور بودند از طرف وزارت دفاع ملی اسرائیل برای خدمت زیر پرچم احضار شده و فوراً بطرف اسرائیل حرکت کردند.

حقیقتاً باید باین دوشیروگان تبریک گفت.

آگهی انتخابات کانون خیر خواه

چون روز جمعه اول دیماه ۱۳۴۴ ساعت نه صبح انتخابات چهارمین دوره هیئت مدیره کانون خیر خواه انجام خواهد شد از عموم کارمندان پیوسته تقاضا میشود در ساعت مقرر با در دست داشتن کارت عضویت در سالن دبیرستان اتحاد واقع در خیابان ژاله حضور بهم رسانند
کانون خیر خواه
ش ۴۰۸

دارالترجمه و ایزمن

WISEMAN

TRANSLATION BUREAU

ترجمه و تحریر نامه های بازرگانی بفارسی و بالعکس
تحریر نامه های لاتین و فارسی
ترجمه کاتالوک و مشخصات کالا

ترجمه نامه ها از زبان خارجی بفارسی مجانی و از فارسی بزبان خارجی
بنازترین قیمت
مشخصات کالای مورد نیاز خود را توسط دارالترجمه و ایزمن بفارسی
ترجمه و در دسترس خریداران قرار دهید و نتایج عالی آن را برای العین مشاهده فرمائید
دارالترجمه و ایزمن بانسجیلات مرتب خود حاضر بهرگونه همکاری با شما
برای ترجمه و چاپ و تبلیغات کالای شما میباشد.

آدرس: ناصر خسرو صندوق پستی ۴۶۹

ش ۴۰۵
تلفن ۵۲۶۶۹

یک خبر خوش

بدنبال موفقیت شایان توجهی که بیس گمراه در بین هنرمندان بدست آورد اینک بازیگرمشاهکار عالی دیگر بنام

وجدان گم شده

« درام در سه پرده »

توسط هنرمندان (تروپ هنری متحد) بمرض نمایش گذارده خواهد شد

تروپ هنری متحد

دیدن این نمایشنامه را بکلیه علاقمندان برنامه های درام توصیه مینماید

ش ۴۰۲
تروپ هنری متحد

تبریک

چش نامزدی دوشیزه مهتری ذبیح را بدوشت ارجندم آقای اسحق رکنی صبیانه تبریک عرض نموده سلامتی و موفقیت آنان را از درگاه باری تعالی خواستارم
ش ۴۰۱
محمّد ابراهیم نهواری

آگهی

دارالترجمه و ایزمن بچند نفر مترجم که در ضمن نقاط دیدنی تهران و شهرستانها آشنا شده اند برای مترجمی خارجیانی که برای مدت کمی با ایران مینماید نیازمند است داوطلبان اسم و آدرس و سایر مشخصات خود را بصندوق پستی ۴۶۹ ارسال فرمائید
ش ۴۰۳

یک نماینده فعال



آقای حق نظر شرکاء: نماینده عالم یهود در کرمانشاه که سمت آموزگاری در دبیرستان اتحاد آنجا را دارند یکی از نمایندگان فعال و خوش حساب عالم یهود می باشد نامبرده تیراژ عالم یهود را در کرمانشاه بیزان قابل توجهی بالا برده است
وباین وسیله از زحمات و فعالیتهای ایشان قدردانی و توفیق ایشانرا در خدمات ملی آرزو دارد.

عالم یهود

دنیاله یهودیان در جهان

مقالاتی چند راجع بان کشور دوزخ نماید ولی تاکنون چیزی راجع یهودیان روسیه ننوشته است
پیر و بیجان ناحیه ایست در انصای خاور میانه که در سال ۱۹۲۸ برای منظورهای صنعتی و کشاورزی یهودیان هوروی داده شد و در سال ۱۹۳۴ ناحیه خود مختار یهودی شناخته شد

تورات پر تو فشان

اسم کتابی است که ربی مشیری در تفسیر تورات مقدسه نوشته و از طرف ربی الیزر سیلور در اعظم امریکا و ربی کابلان راب اعظم فرانسه و چند نفر دیگر از معارف روحانیون اسرائیل جهان مورد تقدیر و تمجید واقع گردیده است این کتاب که ببری نوشته شده کلکسیون جامعی از تفسیرات تورات میباشد

نخستین کنسرت گوارتت

صنفونی تهران

روز ۵ شنبه ۲۳ آذر ماه کنسرت باشکوهی بجز نظر آقای دکتر شکرآه کهن نیم استاد معروف موسیقی بنفم کیته ملی البیک ایران در تالار فرهنگ داده شد که از هر جهت مورد توجه واقع گردید از ساعت ۷ ر۵ بعد از ظهر جمع کثیری از علاقمندان و هنردوستان و اعضای کیته ملی البیک و افسران عالی رتبه ارتش و رجال و شخصیت های ورزشی و تیسار سربین ایردینار ریاست سازمان ملی تربیت بدنی و پیش آهنگی ایران در تالار فرهنگ حضور یافتند

مقارن ساعت ۸ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی تشریف آوردند و بلافاصله خطاب مینی بر خیر مقدم و سپاسگزاری از طرف تیسار سربین دکتر آیزدینار بحضور والا حضرت معروض و ضمن آن از همکاری صبیانه آقای دکتر شکرآه کهن تیم اظهار تشکر شد و بلافاصله کنسرت در چند قسمت بترتیب زیر اجرا گردید:

نخست سرود شاهنشاهی که توسط آقای دکتر کهن تیم برای اسباب های ذی تنظیم شده بود بوسیله دسته ۴ نفری نواخته شد

این دسته که مرکب از چهار نوازنده استاد بود قطعاتی از بهتوون، ساموئل باربر و آقای کهنیم اجرا کرد که مخصوصاً قطعه آخر آن بنام ایران نو که از ترانه های محلی ایران بنا آخرین سبک و اسلوب علمی تنظیم گشته بود و تحسین فراوان حضار مواجیه گردید

پس از ۱۰ دقیقه تنفس رستپال بیانو بوسیله یک بانوی هنرمند آمریکائی بنام الیزابت اهدید که اخیراً برای گردش با ایران آمده اند شامل قطعاتی از راول دو فایا و دکتر کهنیم اجرا شد این بانوی جوان کمال استادی را در نواختن بیانو مخصوصاً در اجرای رقص آتش اثر مشهور مارسل دو فایا از خود نشان داد و بطوریکه پس از اتمام آن تا چند دقیقه صدای کف زدن بسیار شدید حضار در تالار طنین افکن بود

بعداً آقای ژوریک دبلانین ویلونیسست معروف ایرانی که کنسرت های ایشان در شهر های ایران و خارجه همواره مورد استقبال گرمی واقع شده است به همراهی بیانوی خانم کارمن اسوریو چند قسمت از ساخته های چایکوسکی، کهنیم و ویتیاوسکی

دنیاله یهودیان در

سر زمین اهرام

چه از نظر سیاسی مواجیه اند و دولت مصر تیره تنهادر راه رفع این مشکلات نیکو شد بلکه سدها و موانع جدیدی برای یهودیان ایجاد کرده است جامعه یهودیان مصر از جوامعی هستند که بدون کمک یهودیان کشورهای دیگر جهان خود را اداره میکنند یعنی روی اصل تعاون صوملی و با کمک افراد یکدیگر پیش میروند

آموزش زبان عبری با وجود محدودیت های دیگری که دولت مصر برای یهودیان این کشور ایجاد کرده است ممنوع نیست و حتی اخیراً یهودیان این کشور تقاضا کرده اند که یک معلم عبری برای سربازان یهودی که در ارتش مصر هستند فرستاده شود

در پایان برنامه آقای دکتر کهنیم رهبر کنسرت در سن ظاهر شده و با کف زدن های گرم و محبت آمیز حاضران مواجیه گشتند والا حضرت شاهپور غلامرضا ایشان و نوازندگان و خواننده کنسرت رامورد تقدو مرحمت قرار دادند و بدین ترتیب نخستین کنسرت گوارتت صنفونی تهران و یک شب نشینی جالب هنری در ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه پایان رسید

چیزیکه مخصوصاً در آن شب جلب توجه میکرد ساخته های آقای دکتر کهنیم بود که مقام بلند آنک سازی ایشان را در موسیقی علمی میرساند و ما موفقیت این

چه کسانی با آتش بازی میکنند؟

فناک میلان وزیر خارجه انگلستان طی نطق خود در روز ۱۲ دسامبر در پارلمان آن کشور در موقیعه راجع بغاور میانه بحث میشد اعلام نمود که زهبران بعضی از کشورهای عربی با آتش بازی میکنند آنها خیال میکنند بطور مؤثری بتوانند بلوک آبنجارا بجان هم بیاندازند ولی متاسفانه متوجه خطراتی که در این بازی متوجه آنها میشود نیستند

چه کسانی از ایسرائل طرفداری میکنند؟

نمایندگان اتحاد عظیم کارگران امریکاکه بلوژ انکار نکردنی بر روی دولت و سیاست آردارد رد طرفداری خود را از ایسرائل در مورد تحویل اسلحه وامضاء قرارداد امنیت متقابل اعلام نمود و نیز بقرار اعلام روزنامه های خارجی اکثریت نمایندگان حزب کارگر انگلستان در بسیاری مسائل پشتیبان ایسرائل می باشند معذالک هراسان عاقلی میفهمد که بهترین دوست و طرفدار ایسرائل یهودیان پراکنده جهانند که بخوبی اهمیت وجود ایسرائل را در موجودیت یهودیت در قرن حاضر درک میکنند و اثر خطر شکست امکان ناپذیر آنرا نیز تا اندازه زیادی میشناسند



سعادت زندگی را چه درمیدانید ؟



لیودترا : لیودترا در تقدیرستی سعادتند حقیقی در زندگی کسی است که بتواند از لذات دنیوی استفاده کند. نه پول، نه عبق، نه افتخار، هیچیک در زندگی چون تندرستی خوشی و سعادت در بر ندارد.

ای خواننده عزیز:

من زنی هستم که تقریباً چهار سال از بهترین سالهای عمرم را با سرگ دست بگریبان بودم از موقعی که خودم را شناختم تا بحال مریض بودم همان من روی گردان بودم زیرا «سلول» بودم. از هرگونه وسائل آسایش که شما فکر کنید غنی هستم ثروت و دارائی و املاک من زیانده نخاص و عام است افسوس! چه فایده ای دارد که نمیتوانم کوچکترین استفاده ای از آنها ببرم شادمانه سایه تندرستی میتوانید کار کنید و پول در بیاورید و شکم خود را سیر کنید آن وقت است که عاشق هم میشوید، لیکن من تا عمر دارم باید در گوشه ای نشسته در آرزوی رسیدن مرگ دقیقه شماری کنم.

من راضی هستم تمام دارائیم را بدهم و ساعتی چون اشخاص تندرست زندگی نکرده و از لذات آن بهره مند شوم ولی افسوس که چنین آرزوی را باید بگورم.

بانو زین : در فهم و پشتکار بقیه من کلیه افراد خوشبخت و سعادتندی که ما آنها را در میان اجتماع خود مینمیشیم تشکیل شده اند از یک دسته افراد فهیم و دانشمند اینگونه افراد توانسته اند در پرتو این نعمت الهی یعنی عقل و فهم و پشتکار از کلیه لذات زندگی بی بهترین نحو برخوردار شوند.

منا : در فهم و پشتکار بقیه من کلیه افراد خوشبخت و سعادتندی که ما آنها را در میان اجتماع خود مینمیشیم تشکیل شده اند از یک دسته افراد فهیم و دانشمند اینگونه افراد توانسته اند در پرتو این نعمت الهی یعنی عقل و فهم و پشتکار از کلیه لذات زندگی بی بهترین نحو برخوردار شوند.

منا : در فهم و پشتکار بقیه من کلیه افراد خوشبخت و سعادتندی که ما آنها را در میان اجتماع خود مینمیشیم تشکیل شده اند از یک دسته افراد فهیم و دانشمند اینگونه افراد توانسته اند در پرتو این نعمت الهی یعنی عقل و فهم و پشتکار از کلیه لذات زندگی بی بهترین نحو برخوردار شوند.

منا : در فهم و پشتکار بقیه من کلیه افراد خوشبخت و سعادتندی که ما آنها را در میان اجتماع خود مینمیشیم تشکیل شده اند از یک دسته افراد فهیم و دانشمند اینگونه افراد توانسته اند در پرتو این نعمت الهی یعنی عقل و فهم و پشتکار از کلیه لذات زندگی بی بهترین نحو برخوردار شوند.

منا : در فهم و پشتکار بقیه من کلیه افراد خوشبخت و سعادتندی که ما آنها را در میان اجتماع خود مینمیشیم تشکیل شده اند از یک دسته افراد فهیم و دانشمند اینگونه افراد توانسته اند در پرتو این نعمت الهی یعنی عقل و فهم و پشتکار از کلیه لذات زندگی بی بهترین نحو برخوردار شوند.

منا : در فهم و پشتکار بقیه من کلیه افراد خوشبخت و سعادتندی که ما آنها را در میان اجتماع خود مینمیشیم تشکیل شده اند از یک دسته افراد فهیم و دانشمند اینگونه افراد توانسته اند در پرتو این نعمت الهی یعنی عقل و فهم و پشتکار از کلیه لذات زندگی بی بهترین نحو برخوردار شوند.

واقعی هستم که خود را خوشبخت بدانم، نه من بلکه تمام افراد بشر وقتی سعادتند حقیقی هستند که از دارائی خود راضی بوده و برای بیشتر نمودن آن حسرت نخورند اگر شخصی بولداری و واجد کلیه صفات یک زندگی باید خوشبختترین مردم روی زمین باشد خلاصه موقی من خوشبخت ترین مردم هستم و حقیقتاً از دنیا و زندگی لذت میبرم که بزندگی خود کاملاً قانع باشم.

ایرج کهنیم - تهران
در راز موفقیت خواننده ارجمند: شما براه خوب باید پیش میروید اعمال شایعات ما را تشکیل میدهد و عادات شما شخصیت ما را پدید میآورد. شما نمیتوانید در زندگی متوقف بمانید بلکه باید بسوی ترقی یا تنزل گام بردارید. بشما را باید و خوب شما را بسوی میکشاند بهر حال هر انجام پیروزی با بهت آوردن راز موفقیت و تشخیص دادن راه خوب و بد است.

ناصر هارونیان - اصفهان
در خواندن کتاب بنظر من سعادت زندگی در خواندن و برگزیدن کتابهای خوب است. در خواندن اندیشه و دقت را باید بکار انداخته تا از مطالب آن استفاده کرده آنها را در زندگی خود بکار ببریم.

روح اله بنشیان - تهران
در خوشبخت دانستن خود من سعادت زندگی خود را در خوشبخت دانستن خود میدانم یعنی موقی خوشبخت

نجات اله بابلدشتی - اصفهان
افق: ۱- برادر بزرگ کوچه، ۲- نام یکی از پادشاهان سلسله صفویه ۳- سال ولادت او، ۴- است تکرار یکی از حروف ۵- درود ۶- میخورد و خورده میشود ۷- دشمن ۸- امر رفتن ۹- امتحان انگلیسی ۱۰- ولی ۱۱- مغفقت ۱۲- مباح ۱۳- ویران روی ۱۴- دلیل است ۱۵- دونان شفاف ۱۶- اولین عدد دورقمی ۱۷- معما ۱۸- یکی از قدیمی ترین آلات موسیقی ۱۹- زاده کا

بغوب لیت سفاری ۲- مخترع برق ۳- سطر ۴- کوثر زبان عامیانه اسکناس موقی ۴- بجای حرف اول آن و بگذارد تا خیال شود ۵- توش ۶- تکرار قسمت دوم ستون شش افق ۷- واضح و آشکار ۸- آلت پرواز پرندگان پایتخت کشور روم قدیم ۹- هفت هست شفاف ۱۰- شنبلی ۱۱- روز استراحت یهودی ۱۲- جواب منفی ۱۳- زمانی مرد جوانی بود ۱۴- عاشق ابدی شمع

۱۵- ۱۶- ۱۷- ۱۸- ۱۹- ۲۰- ۲۱- ۲۲- ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶- ۲۷- ۲۸- ۲۹- ۳۰- ۳۱- ۳۲- ۳۳- ۳۴- ۳۵- ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۳۹- ۴۰- ۴۱- ۴۲- ۴۳- ۴۴- ۴۵- ۴۶- ۴۷- ۴۸- ۴۹- ۵۰- ۵۱- ۵۲- ۵۳- ۵۴- ۵۵- ۵۶- ۵۷- ۵۸- ۵۹- ۶۰- ۶۱- ۶۲- ۶۳- ۶۴- ۶۵- ۶۶- ۶۷- ۶۸- ۶۹- ۷۰- ۷۱- ۷۲- ۷۳- ۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۷- ۷۸- ۷۹- ۸۰- ۸۱- ۸۲- ۸۳- ۸۴- ۸۵- ۸۶- ۸۷- ۸۸- ۸۹- ۹۰- ۹۱- ۹۲- ۹۳- ۹۴- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- ۹۹- ۱۰۰- ۱۰۱- ۱۰۲- ۱۰۳- ۱۰۴- ۱۰۵- ۱۰۶- ۱۰۷- ۱۰۸- ۱۰۹- ۱۱۰- ۱۱۱- ۱۱۲- ۱۱۳- ۱۱۴- ۱۱۵- ۱۱۶- ۱۱۷- ۱۱۸- ۱۱۹- ۱۲۰- ۱۲۱- ۱۲۲- ۱۲۳- ۱۲۴- ۱۲۵- ۱۲۶- ۱۲۷- ۱۲۸- ۱۲۹- ۱۳۰- ۱۳۱- ۱۳۲- ۱۳۳- ۱۳۴- ۱۳۵- ۱۳۶- ۱۳۷- ۱۳۸- ۱۳۹- ۱۴۰- ۱۴۱- ۱۴۲- ۱۴۳- ۱۴۴- ۱۴۵- ۱۴۶- ۱۴۷- ۱۴۸- ۱۴۹- ۱۵۰- ۱۵۱- ۱۵۲- ۱۵۳- ۱۵۴- ۱۵۵- ۱۵۶- ۱۵۷- ۱۵۸- ۱۵۹- ۱۶۰- ۱۶۱- ۱۶۲- ۱۶۳- ۱۶۴- ۱۶۵- ۱۶۶- ۱۶۷- ۱۶۸- ۱۶۹- ۱۷۰- ۱۷۱- ۱۷۲- ۱۷۳- ۱۷۴- ۱۷۵- ۱۷۶- ۱۷۷- ۱۷۸- ۱۷۹- ۱۸۰- ۱۸۱- ۱۸۲- ۱۸۳- ۱۸۴- ۱۸۵- ۱۸۶- ۱۸۷- ۱۸۸- ۱۸۹- ۱۹۰- ۱۹۱- ۱۹۲- ۱۹۳- ۱۹۴- ۱۹۵- ۱۹۶- ۱۹۷- ۱۹۸- ۱۹۹- ۲۰۰- ۲۰۱- ۲۰۲- ۲۰۳- ۲۰۴- ۲۰۵- ۲۰۶- ۲۰۷- ۲۰۸- ۲۰۹- ۲۱۰- ۲۱۱- ۲۱۲- ۲۱۳- ۲۱۴- ۲۱۵- ۲۱۶- ۲۱۷- ۲۱۸- ۲۱۹- ۲۲۰- ۲۲۱- ۲۲۲- ۲۲۳- ۲۲۴- ۲۲۵- ۲۲۶- ۲۲۷- ۲۲۸- ۲۲۹- ۲۳۰- ۲۳۱- ۲۳۲- ۲۳۳- ۲۳۴- ۲۳۵- ۲۳۶- ۲۳۷- ۲۳۸- ۲۳۹- ۲۴۰- ۲۴۱- ۲۴۲- ۲۴۳- ۲۴۴- ۲۴۵- ۲۴۶- ۲۴۷- ۲۴۸- ۲۴۹- ۲۵۰- ۲۵۱- ۲۵۲- ۲۵۳- ۲۵۴- ۲۵۵- ۲۵۶- ۲۵۷- ۲۵۸- ۲۵۹- ۲۶۰- ۲۶۱- ۲۶۲- ۲۶۳- ۲۶۴- ۲۶۵- ۲۶۶- ۲۶۷- ۲۶۸- ۲۶۹- ۲۷۰- ۲۷۱- ۲۷۲- ۲۷۳- ۲۷۴- ۲۷۵- ۲۷۶- ۲۷۷- ۲۷۸- ۲۷۹- ۲۸۰- ۲۸۱- ۲۸۲- ۲۸۳- ۲۸۴- ۲۸۵- ۲۸۶- ۲۸۷- ۲۸۸- ۲۸۹- ۲۹۰- ۲۹۱- ۲۹۲- ۲۹۳- ۲۹۴- ۲۹۵- ۲۹۶- ۲۹۷- ۲۹۸- ۲۹۹- ۳۰۰- ۳۰۱- ۳۰۲- ۳۰۳- ۳۰۴- ۳۰۵- ۳۰۶- ۳۰۷- ۳۰۸- ۳۰۹- ۳۱۰- ۳۱۱- ۳۱۲- ۳۱۳- ۳۱۴- ۳۱۵- ۳۱۶- ۳۱۷- ۳۱۸- ۳۱۹- ۳۲۰- ۳۲۱- ۳۲۲- ۳۲۳- ۳۲۴- ۳۲۵- ۳۲۶- ۳۲۷- ۳۲۸- ۳۲۹- ۳۳۰- ۳۳۱- ۳۳۲- ۳۳۳- ۳۳۴- ۳۳۵- ۳۳۶- ۳۳۷- ۳۳۸- ۳۳۹- ۳۴۰- ۳۴۱- ۳۴۲- ۳۴۳- ۳۴۴- ۳۴۵- ۳۴۶- ۳۴۷- ۳۴۸- ۳۴۹- ۳۵۰- ۳۵۱- ۳۵۲- ۳۵۳- ۳۵۴- ۳۵۵- ۳۵۶- ۳۵۷- ۳۵۸- ۳۵۹- ۳۶۰- ۳۶۱- ۳۶۲- ۳۶۳- ۳۶۴- ۳۶۵- ۳۶۶- ۳۶۷- ۳۶۸- ۳۶۹- ۳۷۰- ۳۷۱- ۳۷۲- ۳۷۳- ۳۷۴- ۳۷۵- ۳۷۶- ۳۷۷- ۳۷۸- ۳۷۹- ۳۸۰- ۳۸۱- ۳۸۲- ۳۸۳- ۳۸۴- ۳۸۵- ۳۸۶- ۳۸۷- ۳۸۸- ۳۸۹- ۳۹۰- ۳۹۱- ۳۹۲- ۳۹۳- ۳۹۴- ۳۹۵- ۳۹۶- ۳۹۷- ۳۹۸- ۳۹۹- ۴۰۰- ۴۰۱- ۴۰۲- ۴۰۳- ۴۰۴- ۴۰۵- ۴۰۶- ۴۰۷- ۴۰۸- ۴۰۹- ۴۱۰- ۴۱۱- ۴۱۲- ۴۱۳- ۴۱۴- ۴۱۵- ۴۱۶- ۴۱۷- ۴۱۸- ۴۱۹- ۴۲۰- ۴۲۱- ۴۲۲- ۴۲۳- ۴۲۴- ۴۲۵- ۴۲۶- ۴۲۷- ۴۲۸- ۴۲۹- ۴۳۰- ۴۳۱- ۴۳۲- ۴۳۳- ۴۳۴- ۴۳۵- ۴۳۶- ۴۳۷- ۴۳۸- ۴۳۹- ۴۴۰- ۴۴۱- ۴۴۲- ۴۴۳- ۴۴۴- ۴۴۵- ۴۴۶- ۴۴۷- ۴۴۸- ۴۴۹- ۴۵۰- ۴۵۱- ۴۵۲- ۴۵۳- ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۵۶- ۴۵۷- ۴۵۸- ۴۵۹- ۴۶۰- ۴۶۱- ۴۶۲- ۴۶۳- ۴۶۴- ۴۶۵- ۴۶۶- ۴۶۷- ۴۶۸- ۴۶۹- ۴۷۰- ۴۷۱- ۴۷۲- ۴۷۳- ۴۷۴- ۴۷۵- ۴۷۶- ۴۷۷- ۴۷۸- ۴۷۹- ۴۸۰- ۴۸۱- ۴۸۲- ۴۸۳- ۴۸۴- ۴۸۵- ۴۸۶- ۴۸۷- ۴۸۸- ۴۸۹- ۴۹۰- ۴۹۱- ۴۹۲- ۴۹۳- ۴۹۴- ۴۹۵- ۴۹۶- ۴۹۷- ۴۹۸- ۴۹۹- ۵۰۰- ۵۰۱- ۵۰۲- ۵۰۳- ۵۰۴- ۵۰۵- ۵۰۶- ۵۰۷- ۵۰۸- ۵۰۹- ۵۱۰- ۵۱۱- ۵۱۲- ۵۱۳- ۵۱۴- ۵۱۵- ۵۱۶- ۵۱۷- ۵۱۸- ۵۱۹- ۵۲۰- ۵۲۱- ۵۲۲- ۵۲۳- ۵۲۴- ۵۲۵- ۵۲۶- ۵۲۷- ۵۲۸- ۵۲۹- ۵۳۰- ۵۳۱- ۵۳۲- ۵۳۳- ۵۳۴- ۵۳۵- ۵۳۶- ۵۳۷- ۵۳۸- ۵۳۹- ۵۴۰- ۵۴۱- ۵۴۲- ۵۴۳- ۵۴۴- ۵۴۵- ۵۴۶- ۵۴۷- ۵۴۸- ۵۴۹- ۵۵۰- ۵۵۱- ۵۵۲- ۵۵۳- ۵۵۴- ۵۵۵- ۵۵۶- ۵۵۷- ۵۵۸- ۵۵۹- ۵۶۰- ۵۶۱- ۵۶۲- ۵۶۳- ۵۶۴- ۵۶۵- ۵۶۶- ۵۶۷- ۵۶۸- ۵۶۹- ۵۷۰- ۵۷۱- ۵۷۲- ۵۷۳- ۵۷۴- ۵۷۵- ۵۷۶- ۵۷۷- ۵۷۸- ۵۷۹- ۵۸۰- ۵۸۱- ۵۸۲- ۵۸۳- ۵۸۴- ۵۸۵- ۵۸۶- ۵۸۷- ۵۸۸- ۵۸۹- ۵۹۰- ۵۹۱- ۵۹۲- ۵۹۳- ۵۹۴- ۵۹۵- ۵۹۶- ۵۹۷- ۵۹۸- ۵۹۹- ۶۰۰- ۶۰۱- ۶۰۲- ۶۰۳- ۶۰۴- ۶۰۵- ۶۰۶- ۶۰۷- ۶۰۸- ۶۰۹- ۶۱۰- ۶۱۱- ۶۱۲- ۶۱۳- ۶۱۴- ۶۱۵- ۶۱۶- ۶۱۷- ۶۱۸- ۶۱۹- ۶۲۰- ۶۲۱- ۶۲۲- ۶۲۳- ۶۲۴- ۶۲۵- ۶۲۶- ۶۲۷- ۶۲۸- ۶۲۹- ۶۳۰- ۶۳۱- ۶۳۲- ۶۳۳- ۶۳۴- ۶۳۵- ۶۳۶- ۶۳۷- ۶۳۸- ۶۳۹- ۶۴۰- ۶۴۱- ۶۴۲- ۶۴۳- ۶۴۴- ۶۴۵- ۶۴۶- ۶۴۷- ۶۴۸- ۶۴۹- ۶۵۰- ۶۵۱- ۶۵۲- ۶۵۳- ۶۵۴- ۶۵۵- ۶۵۶- ۶۵۷- ۶۵۸- ۶۵۹- ۶۶۰- ۶۶۱- ۶۶۲- ۶۶۳- ۶۶۴- ۶۶۵- ۶۶۶- ۶۶۷- ۶۶۸- ۶۶۹- ۶۷۰- ۶۷۱- ۶۷۲- ۶۷۳- ۶۷۴- ۶۷۵- ۶۷۶- ۶۷۷- ۶۷۸- ۶۷۹- ۶۸۰- ۶۸۱- ۶۸۲- ۶۸۳- ۶۸۴- ۶۸۵- ۶۸۶- ۶۸۷- ۶۸۸- ۶۸۹- ۶۹۰- ۶۹۱- ۶۹۲- ۶۹۳- ۶۹۴- ۶۹۵- ۶۹۶- ۶۹۷- ۶۹۸- ۶۹۹- ۷۰۰- ۷۰۱- ۷۰۲- ۷۰۳- ۷۰۴- ۷۰۵- ۷۰۶- ۷۰۷- ۷۰۸- ۷۰۹- ۷۱۰- ۷۱۱- ۷۱۲- ۷۱۳- ۷۱۴- ۷۱۵- ۷۱۶- ۷۱۷- ۷۱۸- ۷۱۹- ۷۲۰- ۷۲۱- ۷۲۲- ۷۲۳- ۷۲۴- ۷۲۵- ۷۲۶- ۷۲۷- ۷۲۸- ۷۲۹- ۷۳۰- ۷۳۱- ۷۳۲- ۷۳۳- ۷۳۴- ۷۳۵- ۷۳۶- ۷۳۷- ۷۳۸- ۷۳۹- ۷۴۰- ۷۴۱- ۷۴۲- ۷۴۳- ۷۴۴- ۷۴۵- ۷۴۶- ۷۴۷- ۷۴۸- ۷۴۹- ۷۵۰- ۷۵۱- ۷۵۲- ۷۵۳- ۷۵۴- ۷۵۵- ۷۵۶- ۷۵۷- ۷۵۸- ۷۵۹- ۷۶۰- ۷۶۱- ۷۶۲- ۷۶۳- ۷۶۴- ۷۶۵- ۷۶۶- ۷۶۷- ۷۶۸- ۷۶۹- ۷۷۰- ۷۷۱- ۷۷۲- ۷۷۳- ۷۷۴- ۷۷۵- ۷۷۶- ۷۷۷- ۷۷۸- ۷۷۹- ۷۸۰- ۷۸۱- ۷۸۲- ۷۸۳- ۷۸۴- ۷۸۵- ۷۸۶- ۷۸۷- ۷۸۸- ۷۸۹- ۷۹۰- ۷۹۱- ۷۹۲- ۷۹۳- ۷۹۴- ۷۹۵- ۷۹۶- ۷۹۷- ۷۹۸- ۷۹۹- ۸۰۰- ۸۰۱- ۸۰۲- ۸۰۳- ۸۰۴- ۸۰۵- ۸۰۶- ۸۰۷- ۸۰۸- ۸۰۹- ۸۱۰- ۸۱۱- ۸۱۲- ۸۱۳- ۸۱۴- ۸۱۵- ۸۱۶- ۸۱۷- ۸۱۸- ۸۱۹- ۸۲۰- ۸۲۱- ۸۲۲- ۸۲۳- ۸۲۴- ۸۲۵- ۸۲۶- ۸۲۷- ۸۲۸- ۸۲۹- ۸۳۰- ۸۳۱- ۸۳۲- ۸۳۳- ۸۳۴- ۸۳۵- ۸۳۶- ۸۳۷- ۸۳۸- ۸۳۹- ۸۴۰- ۸۴۱- ۸۴۲- ۸۴۳- ۸۴۴- ۸۴۵- ۸۴۶- ۸۴۷- ۸۴۸- ۸۴۹- ۸۵۰- ۸۵۱- ۸۵۲- ۸۵۳- ۸۵۴- ۸۵۵- ۸۵۶- ۸۵۷- ۸۵۸- ۸۵۹- ۸۶۰- ۸۶۱- ۸۶۲- ۸۶۳- ۸۶۴- ۸۶۵- ۸۶۶- ۸۶۷- ۸۶۸- ۸۶۹- ۸۷۰- ۸۷۱- ۸۷۲- ۸۷۳- ۸۷۴- ۸۷۵- ۸۷۶- ۸۷۷- ۸۷۸- ۸۷۹- ۸۸۰- ۸۸۱- ۸۸۲- ۸۸۳- ۸۸۴- ۸۸۵- ۸۸۶- ۸۸۷- ۸۸۸- ۸۸۹- ۸۹۰- ۸۹۱- ۸۹۲- ۸۹۳- ۸۹۴- ۸۹۵- ۸۹۶- ۸۹۷- ۸۹۸- ۸۹۹- ۹۰۰- ۹۰۱- ۹۰۲- ۹۰۳- ۹۰۴- ۹۰۵- ۹۰۶- ۹۰۷- ۹۰۸- ۹۰۹- ۹۱۰- ۹۱۱- ۹۱۲- ۹۱۳- ۹۱۴- ۹۱۵- ۹۱۶- ۹۱۷- ۹۱۸- ۹۱۹- ۹۲۰- ۹۲۱- ۹۲۲- ۹۲۳- ۹۲۴- ۹۲۵- ۹۲۶- ۹۲۷- ۹۲۸- ۹۲۹- ۹۳۰- ۹۳۱- ۹۳۲- ۹۳۳- ۹۳۴- ۹۳۵- ۹۳۶- ۹۳۷- ۹۳۸- ۹۳۹- ۹۴۰- ۹۴۱- ۹۴۲- ۹۴۳- ۹۴۴- ۹۴۵- ۹۴۶- ۹۴۷- ۹۴۸- ۹۴۹- ۹۵۰- ۹۵۱- ۹۵۲- ۹۵۳- ۹۵۴- ۹۵۵- ۹۵۶- ۹۵۷- ۹۵۸- ۹۵۹- ۹۶۰- ۹۶۱- ۹۶۲- ۹۶۳- ۹۶۴- ۹۶۵- ۹۶۶- ۹۶۷- ۹۶۸- ۹۶۹- ۹۷۰- ۹۷۱- ۹۷۲- ۹۷۳- ۹۷۴- ۹۷۵- ۹۷۶- ۹۷۷- ۹۷۸- ۹۷۹- ۹۸۰- ۹۸۱- ۹۸۲- ۹۸۳- ۹۸۴- ۹۸۵- ۹۸۶- ۹۸۷- ۹۸۸- ۹۸۹- ۹۹۰- ۹۹۱- ۹۹۲- ۹۹۳- ۹۹۴- ۹۹۵- ۹۹۶- ۹۹۷- ۹۹۸- ۹۹۹- ۱۰۰۰- ۱۰۰۱- ۱۰۰۲- ۱۰۰۳- ۱۰۰۴- ۱۰۰۵- ۱۰۰۶- ۱۰۰۷- ۱۰۰۸- ۱۰۰۹- ۱۰۱۰- ۱۰۱۱- ۱۰۱۲- ۱۰۱۳- ۱۰۱۴- ۱۰۱۵- ۱۰۱۶- ۱۰۱۷- ۱۰۱۸- ۱۰۱۹- ۱۰۲۰- ۱۰۲۱- ۱۰۲۲- ۱۰۲۳- ۱۰۲۴- ۱۰۲۵- ۱۰۲۶- ۱۰۲۷- ۱۰۲۸- ۱۰۲۹- ۱۰۳۰- ۱۰۳۱- ۱۰۳۲- ۱۰۳۳- ۱۰۳۴- ۱۰۳۵- ۱۰۳۶- ۱۰۳۷- ۱۰۳۸- ۱۰۳۹- ۱۰۴۰- ۱۰۴۱- ۱۰۴۲- ۱۰۴۳- ۱۰۴۴- ۱۰۴۵- ۱۰۴۶- ۱۰۴۷- ۱۰۴۸- ۱۰۴۹- ۱۰۵۰- ۱۰۵۱- ۱۰۵۲- ۱۰۵۳- ۱۰۵۴- ۱۰۵۵- ۱۰۵۶- ۱۰۵۷- ۱۰۵۸- ۱۰۵۹- ۱۰۶۰- ۱۰۶۱- ۱۰۶۲- ۱۰۶۳- ۱۰۶۴- ۱۰۶۵- ۱۰۶۶- ۱۰۶۷- ۱۰۶۸- ۱۰۶۹- ۱۰۷۰- ۱۰۷۱- ۱۰۷۲- ۱۰۷۳- ۱۰۷۴- ۱۰۷۵- ۱۰۷۶- ۱۰۷۷- ۱۰۷۸- ۱۰۷۹- ۱۰۸۰- ۱۰۸۱- ۱۰۸۲- ۱۰۸۳- ۱۰۸۴- ۱۰۸۵- ۱۰۸۶- ۱۰۸۷- ۱۰۸۸- ۱۰۸۹- ۱۰۹۰- ۱۰۹۱- ۱۰۹۲- ۱۰۹۳- ۱۰۹۴- ۱۰۹۵- ۱۰۹۶- ۱۰۹۷- ۱۰۹۸- ۱۰۹۹- ۱۱۰۰- ۱۱۰۱- ۱۱۰۲- ۱۱۰۳- ۱۱۰۴- ۱۱۰۵- ۱۱۰۶- ۱۱۰۷- ۱۱۰۸- ۱۱۰۹- ۱۱۱۰- ۱۱۱۱- ۱۱۱۲- ۱۱۱۳- ۱۱۱۴- ۱۱۱۵- ۱۱۱۶- ۱۱۱۷- ۱۱۱۸- ۱۱۱۹- ۱۱۲۰- ۱۱۲۱- ۱۱۲۲- ۱۱۲۳- ۱۱۲۴- ۱۱۲۵- ۱۱۲۶- ۱۱۲۷- ۱۱۲۸- ۱۱۲۹- ۱۱۳۰- ۱۱۳۱- ۱۱۳۲- ۱۱۳۳- ۱۱۳۴- ۱۱۳۵- ۱۱۳۶- ۱۱۳۷- ۱۱۳۸- ۱۱۳۹- ۱۱۴۰- ۱۱۴۱- ۱۱۴۲- ۱۱۴۳- ۱۱۴۴- ۱۱۴۵- ۱۱۴۶- ۱۱۴۷- ۱۱۴۸- ۱۱۴۹- ۱۱۵۰- ۱۱۵۱- ۱۱۵۲- ۱۱۵۳- ۱۱۵۴- ۱۱۵۵- ۱۱۵۶- ۱۱۵۷- ۱۱۵۸- ۱۱۵۹- ۱۱۶۰- ۱۱۶۱- ۱۱۶۲- ۱۱۶۳- ۱۱۶۴- ۱۱۶۵- ۱۱۶۶- ۱۱۶۷- ۱۱۶۸- ۱۱۶۹- ۱۱۷۰- ۱۱۷۱- ۱۱۷۲- ۱۱۷۳- ۱۱۷۴- ۱۱۷۵- ۱۱۷۶- ۱۱۷۷- ۱۱۷۸- ۱۱۷۹- ۱۱۸۰- ۱۱۸۱- ۱۱۸۲- ۱۱۸۳- ۱۱۸۴- ۱۱۸۵- ۱۱۸۶- ۱۱۸۷- ۱۱۸۸- ۱۱۸۹- ۱۱۹۰- ۱۱۹۱- ۱۱۹۲- ۱۱۹۳- ۱۱۹۴- ۱۱۹۵- ۱۱۹۶- ۱۱۹۷- ۱۱۹۸- ۱۱۹۹- ۱۲۰۰- ۱۲۰۱- ۱۲۰۲- ۱۲۰۳- ۱۲۰۴- ۱۲۰۵- ۱۲۰۶- ۱۲۰۷- ۱۲۰۸- ۱۲۰۹- ۱۲۱۰- ۱۲۱۱- ۱۲۱۲- ۱۲۱۳- ۱۲۱۴- ۱۲۱۵- ۱۲۱۶- ۱۲۱۷- ۱۲۱۸- ۱۲۱۹- ۱۲۲۰- ۱۲۲۱- ۱۲۲۲- ۱۲۲۳- ۱۲۲۴- ۱۲۲۵- ۱۲۲۶- ۱۲۲۷- ۱۲۲۸- ۱۲۲۹- ۱۲۳۰- ۱۲۳۱- ۱۲۳۲-

بازگشت در يك نبرد دريائي برخدا انگليسا
شرکت کرد و سرانجام در کوز کوبا بخشی
نهاد .

در کوزکو ستوان راهبه در خانه
خزانه دار بکل بنام سالسو بر میبرد و
تمام اوقات خود را وقف قمار کرده بود .
سرو وضعش خیلی خوب بود و بادست و دل
بازی هم زندگی میکرد چون عایداتش از راه
قمار سرشاری بود .

اما او هرگز در جریان این زندگی
ماجرای جوانی خود را انجام دادن تشریفات
مذهبی که در کودکی با او آموخته بودند
و حی غافل نشد .

وقتی که روزی برای شرکت در مراسم
عشاء دريائي بصومه میرفت در خیابان سر
و صدائی بگوشش خورد که برایش خیلی
آشنا و مأوس بود :

یکمده قمار باز با هم صحبت میکردند .
چنین تعجب کرد وقتی دید این سرو صدا
از خانه ای می آید که او تا بحال بدانجا
رفته است .

پس از انجام تکالیف مذهبی او بدون
تله ای رفت که شش نفر در آن مشغول قمار
بودند .

او هم بیازی مشغول شد و در مدت خیلی
کمی مبلغ هنگفتی پول برد .

اما اقبال وقتی از او رو برگرداند
که سر باز جوانی با به درون گذاشت . باین
سر باز همه شهر لقب «مرك جدید» داده
بودند زیرا او بدون تأمل هر کس را که
جرات مخالفت میکرد در جامیکشت .

«مرك جدید» پشت دست ستوان
راهبه نشست و همینکه او مقداری برد دست
کرد و مقداری از بردهایش را برداشت .

اما چون او خودش را بر هفت مرد
دیگر تنها دید بروی خودش نیوردد . «مرك
جدید» باردیگر عدل خود را تکرار کرد
و کاتالینا باو تندی کرد که دومرتبه کافیت
و بهتر است که این کار را برای بار سوم
تکرار نکند .

«مرك جدید» اصلا بروی مبارکش
نیوردد و باردیگر دست دراز کرد .
اماستوان راهبه با دشنه خود خراشی
باو وارد آورد و گویی میخواست برای ترك
دعوا بجایش مجال بدهد .

دیگر جنگ وجدال غیر قابل اجتناب
بود و همه قمار بازان با اسلحه هایشان بروی
او ریختند .

بخیابان کریمت و در آنجا پس از این
بر خورد کرد که بطرف داری از او بر خاستند
نبرد تبدیل بچنگ و گریز دو کوی و بزرگ
شد و هر دو طرفه میکوشیدند تا توانی خود را
تقویت کند .

پس از آنکه در آنجا پس از این
بر خورد کرد که بطرف داری از او بر خاستند
نبرد تبدیل بچنگ و گریز دو کوی و بزرگ
شد و هر دو طرفه میکوشیدند تا توانی خود را
تقویت کند .

پس از آنکه در آنجا پس از این
بر خورد کرد که بطرف داری از او بر خاستند
نبرد تبدیل بچنگ و گریز دو کوی و بزرگ
شد و هر دو طرفه میکوشیدند تا توانی خود را
تقویت کند .

دنباله سفر گذشت واقعی

ورزید و گفت در کشور امریکا چنین کاری
هرگز نخواهد کرد .

وقتی که کاملا حالتش خوب شد هموطنانش
از او خواستند که فوری کوزکو را
ترك كويد زیرا رفقای «مرك جدید» مترصد
گرفتن انتقام خون دوستانش بودند .

قبل از ترك شهر کاتالینا برای خود
لباسهای فاخر مردانه ای خرید و در حالی
که بلباسهای شیک مردانه ای ملبس بود
بهمراهی پنج نفر سیاه پوست از شهر خارج
شد و بدون مشکلاتی بشهر آپوزیما وارد
شدولی دادستان آن شهر یکی از خویشان
«مرك جدید» بود و خیال داشت او را
زندانی کند . او از تسلیم اپوزیما اما
چون تعداد سربازان مهاجم بسیار زیاد بود
مغلوب شد و بزندان افتاد در يك محله
صحرایی محکوم بمرگ شد .

چون آفتاب غیر خود را بر لب بام
دید بار دیگر نزدیکی از کشتیهای
اعتراف گیرنده از راه خود پزده برداشت
کشتی که سخت حیرت زده بود ، و
گفت که اگر در محضر صوم اعلام کند که
زن است نه مرد میتواند از چوبه دار
بگریزد .

وقتی که کاتالینا این مطلب را اعلام
کرد سرور صدا و هیاهوی شدیدی در
شهر حاد شد اما محله حاضر نقد رای
خود را ننوگند . و کشتی اعتراف گیرنده
ناگزیر گردید از اسقف ها و فرمانداران
نواحی مختلف گواهی های بفتح او بگیرد
که در تمام آنها خدمات ذیقیمت او پشاه
یاد آور شده بود . بالاخره او را به
اسقف کوزکو تسلیم کردند و او بلافاصله
جامه راهبه هارا بر او پوشاند و توسط يك
کشتی به اسپانیا فرستاد .

و او در سال ۱۶۲۴ یعنی درست ایست
و چهار سال پس از آنکه اسپانیا را با جامه
مردان ترك کرده بود . یکشور خود بازگشت
اما دیگر رغبتی به زندگی تاریک دنیاها از
خود نشان نمیداد . از خویشاوندان او دیگر
کسی قیدیحات نبود و او از پادشاه درخواست
کرد مستیری در حقش برقرار کنند و همچنان
او زندان بوشیدن لباس مردانه آزاد بکنند
شاه يك مستیری در حدود هشتصد پوس
در تمام عمر برایش تعیین کرد . از آن پس او
زن بپوشیدن لباس مردانه ادامه داد . همیشه
چند که این امر را میکشید کفارده بودند
و از منع تجویب هیچکدام را یاد آور شده
بودند .

پس از آنکه يك سفر به روم بپایان
رفت تصمیم گرفت تا امریکا بازگردد . حالا
با سرسختی الا قبول این پیشنهاد امتناع
ناکمان ستوان راهبه و مرك جدید باششیر
های اخته در دست در مقابل در ورودی
صومعه بگه و تنها بایکدیگر رو برو شدند
نبرد سختی آغاز شد تا آنجا ادامه داشت
که کاتالینا مجروح شد و از پای درآمد .
مرك جوان که فکر میکرد حریف را کشته
است وحشتزده و هراسناك در صومعه را
گرفت تا در آنجا پناه بجوید و بست بنشیند
درست است که ستوان راهبه مجروح
شده از پای درآمد بود اما هنوز اقتدر
قدرت داشت که سر پا بلند شود و حریفش
را از عقب مورد حمله قرار دهد . مرك
جدید باششیر بعمله پرداخت اما کاتالینا
خود را کنار کشید و سینه مرك جدید را
بایک حرکت ششیر سوراخ کرده او را
بر زمین افکند .

همینکه راهبه ها بر اثر کوبیده شدن
در بیرون آمدند دوتن را دیدند که در
خون خود غوطه میخورند . آنکه از دیگران
حاضر الذهن تر بود فوراً مرك جدید را که
داشت نفس آخر را میکشید و اوار با اعتراف
کناهان کرده دیگری خواست این عمل را
با ستوان راهبه تکرار کند اما او سخت
امتناع کرد و خواست که او را بخانه خزانه دار
کل برسانند . حالتش چنان بد بود که طبیعت
بگفت بیش از چند ساعت دیگر عمرش بدینا
قیست بهتر است از فرصت استفاده کرده
وضعش را در قبال خدا و پیغمبر و امور
مذهبی روشن کند . او بلافاصله بتلوی فرود
کشتی را پیش خود خوند تا نزد او اعتراف
بکند ولی از بیست و سه سال پیش او برای
نخستین بار حقیقت را اعتراف کرد .

کشتی نتوانست اقرار او را بپذیرد
چون میدید سر بازی در حال احتضار
رو برویش دراز کشیده است گفتی فهران
ماجرای جویی که شهری را به بیجان آورده
است ، کسی که حریف خود را بقتل رسانده
است اما بهر حال محضر او را مطمئن
ساخت که زن است نه مرد بالاخره دلایل
موجود کشتی او را متقاعد ساخت اما
زادداری که از وظایف او بشمار میرود
او را وادار ساخت که این سر بهمپرا
پیش خود نگاهداری .

کاتالینا را بصومه سانفرانسیسکو
بردند تا از جنگ قانون نجات یابد . پنج
ماه تمام با عورت ایتل دست بوقه بود و سر
انجام قدرتی و با انرژی حیاتی فوق العاده
او بر مرك پیروز شد . همینکه وضعش قدری
بهتر یافت کشتی اقرار گیرنده بدفقات
از او خواست تا از خود را فاش سازد اما او
با سرسختی الا قبول این پیشنهاد امتناع



سوی و خنزه



نمایش بی موقع

شخصی خانه نوساز خود را بیکى از
دوستان خود نشان میداد و در ضمن با کمال
غرور گفت :

وضیعت اطاق خواب من طوری است
که هر وقت بخواهم میتوانم گرمابه را
بدانجا بیاورم .

با افتخار يك دگمه گرمابه در حالیکه
پراز آب است در اطاق خواب حاضر می
شود .

این را گفته و دگمه را فشار داد .
گرمابه بلافاصله در وسط اطاق حاضر شد
ولی بایک تفاوت که زنش در میان وان
بست و شو مشغول بود .

فراموشکار

آقایى که از خدمتکار سابقش داغی
بود او را مخاطب ساخته گفت خادم محترم ،
من از فلرز کار و رفتار شما راضی نیستم
بهتر آنست که از اول ماه دیگر از خانه
من خارج شوی

خانم - هنوز هم دست از چرند گفتنت
بر نیاید ای! اکنون ۳ هفته است که بایکدیگر
عروسی کرده ایم .

عشق شکم

عزيزم آیا میدانی که هیچ چیز پسر
ادش تر از عشق نیست ؟
مدرست میکونی اما اول بگوباهار
چه داریم .

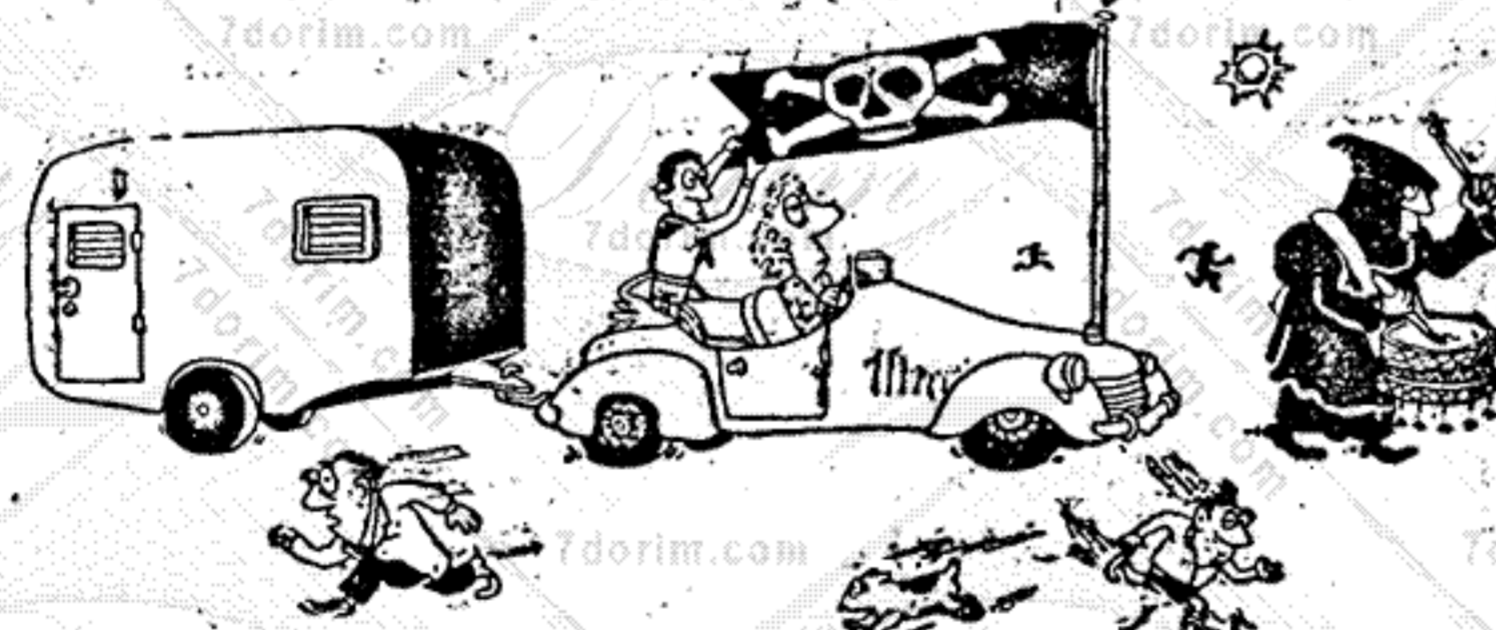
داروی ضد ساس

مردی مشغول فروختن گرد آجر بود
خریداری پرسید چه میفروشی ؟ جواب داد
دوای ضد ساس
خریدار - چطور باید آنرا استعمال
کرد .

فروشنده - ساس را بادست میکوبید
و روی ناخن را قلعك میدهید ساس از این
حرکت قاه قاه میخندد شما هم باید از این
قوض استفاده کرده و از این گرد نوی
خلقش بریزید تا فوراً خفه شود .

بیشتر فهمی رسد

مشری - آهای کارسون توی سوپ
من دو تا مگس افتاده است بیافوری ببر
کارسون - قسربان اسرار نکند
بیشتر او دوتا بشنا نمیرسد برای اینکه
باید مشربهای دیگر را هم جواب بدهیم .



وقتی خانم با احتیاط داشتگی میکند

آگهی

دبستان اتحاد بستری و جزو احتیاج يك نفر مدیر مشول واجد شرایط دارد
داوطلبان می توانند سه روزه وقت اداری با دانه کلان از سن اتحاد ایران واقع در
دبستان اتحاد تهران مراجعه نمایند .

رئیس کل مدارس اتحاد در ایران - کونکا

دنباله سفر گذشت واقعی

چهل هشت سالش بود و هنگامی که در
انتظار حرکت کشتی بود باشکو نشویری
را که قبل ذکر کردیم از او کشید .

با وجود آنکه از رازش پزده برگرفته
بود با زور دوره دوم زندگی که دست از
مستیزه جویی و برخاشگری بر نداشت به
مکزیک رفت و در آنجا کالای مختلف را
بین شهرهای مکزیکو و ورا کروز بفروش
میرساند و مسافران را در راهها و گذر -
گاههای خطرناکتر قرن هفدهم مشایبت
میکرد .

در مکزیکو نیز ستوان راهبه سالیهای
زیادی با نام آنتونیو وادروسو زندگی
کرد .

در این سالیهای آخر حیات خیلی کوشید
نظراخترا - جامعه را بشوید جلب کند ؛
در سال ۱۶۵۰ او در سفری که بین
ورا کروز و مکزیکو میکرد دژ زهنگه
کو تا اختلا بدرد حیات گفت .

تشییع جنازه مجلی برایش ترتیب
دادند که بسیاری از اهالی سرشناس شهر
و بزرگان کلیسا در آن شرکت کردند و
اسقف شهر پولو بر کوز او دستور حک
عبارتی داده حاکی از مراتب قدرشانی
او بود .

دنباله اصلاحه برای

مشکله مزبور را برخ مخالف امریکائی
کشیده بود .

عده ای از افرادیکه با تسلیم اصلاحه
بایسرائل موافقت دارند عقیده مندند که
ذریست است که چنانچه اسرائیل اصلاحه
هایی که فستریها از خودی ذریافت بخارند
از احتمال جنگ بین آنها و اعزاز گشته
خواهد شد ولی بهتر است که قبلا مقدار
اسلحه ها بیکه مغربها از شوروی دریافت
میدارند و اوقف گشته و نیز بدانیم برنامه
آشده آنها در این مورد چه خواهد بود .
و نیز بشقی دیگر از ضایعون هستند که
طلوئی نخواهند کشید که سوریه و لبنان و
مأوراء اردن هم به بیستان نظامی بدهد
خواهد پیوست و در آن موقع امریکا
خواهد تا خواه میخواهد اسلحه در اختیار آنها
خواهد گذاشت بنابراین با فروش اسلحه
بایسرائل که غیر متعاقب خواهد بود مخالفت
نخواهد و دلایله .

نمبر خزانگان

آقای روح الله نعیمی - تهران
 نامه خصوصی که بدفتر مجله میرسد بهداز جواب دادن پاره میشود زیرا جواب هائی که بخواهند گان داده میشود معمولاً مربوط بخودشان است ولی اگر شما زیاد طالب این نوع اشعار هستید مثل آن در مجموعه بابا طاهر عربیان زیاد دیده میشود ممکن است استفاده فرمائید. ضمناً از قولی که برای همکاری بنا داده اید خیلی متشکریم و ما هم سعی میکنیم که بزرگترین آرزوی شما را که از ما خواسته اید برآورده کنیم.

آقای سیاوش شلوهیل - شیراز
 اولاً: علیکم سلام
 ثانیاً - رساندیم و ایشانم تجدید کردند.
 ثالثاً: جواب سوالات شما از این قرار خواهد بود.

۱ - جمعیت حقیقی اسرائیل طبق آخرین آمارهای که بدست آمده ۱۷۴۶۰۰۰ است که این عدد ۱۰۰۰ نفر یهودی و بقیه مسلمان و عیسوی هستند ۳۱ درصد از این جمعیت متولد اسرائیل، ۲۴ درصد از اروپا و ۲۰ درصد از ممالک آسیائی و در صد از آفریقا هستند.

۲ - کسانی که بواسطه نداشتن زبان یاتن بکار نبردن و یا عمل دیگری در اتحادیه کارگران عضویت ندارند اجباراً بکارهای پست مانند خنثائی - نوکری گاهی هم گدائی مشغولند و خوشبختانه این عده هم پس از داشتن مزایای اتحادیه و دستک کارگران عضو درآمده و آبرومندانانه زندگی میکنند و چون صندوق اتحادیه مبلغ قابل ملاحظه ای به بازنشستگان میبرد از دو هر گروه نگرانی رفع میشود.

آقای ایرج الیاسی - مشهد
 نظر شما کاملاً صحیح و بجاست و همیشه تحریریه این منظوره انجام خواهد داد منتها نظر ما اینست که بطور وسیع این موضوع را دنبال کنیم و اقداماتی هم برای امر نموده ایم و از شماره بعد ستونی برای ترجمه مطالب تور را اختصاص خواهیم داد.

دوشیزه پروین - ملایر
 نامه شمارا هم دریافت داشتیم ولی این نامه طوری است که قبلاً ما را وادار میکند از شما سؤالاتی بکنیم بعداً جواب بگویم چون اینطور نظر میرسد که شما نامه را خیلی عجولانه نوشته و نکاتی را

تسلیمت

با کمال تأسف فوت مرحومه مقفوره دیناروف نامیل آن مرحومه مضموعاً بجناب آقای دکتر مزبازش روف و آقای ربیع روف تسلیمت گفته بقاء عبر و سلامتی مشاء الیهارا از حضرت اهدیت مسلت مینماید.
حق نظر شرعاً - کرمانشاه

دو چرخه های آرمسترانگ و آلفای شیر نشان

کورسی و معمولی همه اندازه
 ساخت یکی از بزرگترین کارخانجات انگلستان و از بهترین فولاد تضمین شده - مخصوص جاده های ایران
 نماینده انحصاری: حسیدیم تهران خیابان فردوسی شماره ۱۰۰ تلفن ۳۲۱۸۸۸ آتش ۳۰۲

روغن ارگو

بهترین و سالمترین روغن مورد اطمینان است! در سرتاسر آمریکا فقط از روغن ارگو که سالمترین روغن خوداکی شناخته شده استفاده میشود. شما هم روغن خوداکی ارگو را بجای روغن های تهیه شده کتجد پاروغن های تقلبی و غیره استعمال ننمائید تا برای همیشه خود و فرزندتان شما سالم باشند.
 روغن ارگو در قوطی های یک کیلویی در تمام اغذیه فروشیهای معتبر موجود است. ش ۳۸۱۲

آگهی

دارالتزجیه و ایژمن بهکاری چند نفر مترجم ورژیده و آشنا بزبانهای انگلیسی - فرانسه و آلمانی که بخوبی از عهده ترجمه نامه و کاتالوک های بازرگانی برآیند نیازمند است از داوطلبین خواهش میشود که اسم و آدرس و سایر مشخصات خود را توسط پست بمندوق پستی ۳۶۹ ارسال دارند. ش ۴۰۴

کلینیک

دکتر فاریاب

متخصص جراحی گوش و حلق و بینی
 مجهز بدستگاه برق و ائروسول (بخوردنی سیلین)
 دارای بخش مجزا برای بستری نمودن بیماران
 نشانی - ضلع جنوب شرقی میدان بهارستان
 ش ۲۷۵

آگهی

مهم گدازده اید بنا بر این اگر می خواهید به پرسش های شما جواب گفته شود لطفاً فرمائید
 ۱ - پایه معلومات شما تا چه اندازه است؟
 ۲ - وضع مالی شما چطور است و چه کسی قلاً سرپرست خانواده شما میباشد؟
 ۳ - آیا تنها شما هستید یا اولادینتان در چه پایه ای هست؟
 شعبه خیاطی دخترانه هنرستان صنعتی مرکزی ارت سفارشات دوخت لباس زنانه را قبول مینماید.
 نشانی - میدان چینهاز جاده تهران نو
 شامه با هنر تازمواقت دارند؟
 ۴ - موقعیت اجتماعی شما و خانواده شما چیست؟

با ۳ تزریق سهل و سلاسه بفاصله سی روز از یکدیگر

اطفال خود را در مقابل ۳ بیماری خطرناک

دیفتری، گزاز و سیاه سرفه
 محافظت فرمائید

نخستین مایه گوبی ضد دیفتری، گزاز و سیاه سرفه مانند آبله گوبی ۳ ماه بعد از تولد کودک بعمل میاید

وسپس برای مایه گوبی های بعدی باید طبق تجویز

پزشک رفتار بشود با این ترتیب میتوان مطمئن بود

که تلقیح شدگان از شر ابتلای دیفتری، گزاز و سیاه سرفه راحت خواهند بود

برای مایه گوبی فرزندان خود هر چه زودتر اقدام و مستخدمند آن را در تهران

بکانون خیر خواه و در ولایات بکلینیک های اطفال سالم راهنمایی فرمائید

انجمن امریکن جوئینت در ایران - بیمارستان کانون خیر خواه تهران

هنر گردان

انتظار بایان رسید نمایشنامه کمدی انتقادی سرگردان که خاطر آن هرگز از نظرها جو نخواهد شد:
 روز شنبه ۱۶ دی در سالن مجال تاتر تفکری (فردوسی سابق) توسط هنرمندان کادر هنر پیشگان سیون بروی صحنه خواهد آمد -
 ش ۴۰۶ صندوق پستی ۱۲۶۶

مسابقات فوتبال نزدیک است

دسته فوتبال باهکاه ورزشی کورش کبیر خود را برای مسابقات فوتبال دستجات آزاد تهران آماده مینماید و مدتی است که مشغول تمرین میباشد چون وقت زیادی برای تمرین نیست از فوتبالتهائی که علاقتد بشرکت در مسابقات میباشد تقاضا میشود روزهای شنبه ساعت ۷ الی ۹ صبح - برای تمرین در زمین شماره دو امجدیه حاضر شوند

نخستین قدم

صاحب امتیاز: هنرستان بوستانی

مدیر: موسی کرمانیان

مدیر داخلی: امیدوار

بر دو هفته یکبار منتشر میشود
 نشانی: خیابان فرشته شماره ۳۵
 اشترک سایه ایران ۱۲۵ ریال

شماره ۳۵ دوره سوم تک شماره ۵ ریال

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۳۳۴ - ۴ طبت ۵۷۱۶ - ۱۸ دسامبر ۱۹۵۵

سوفیا لورن در یک فیلم ایسرائلی

بزرگترین فیلم تاریخی از زندگی سلطان شاول اولین پادشاه

ایسرائل بزودی تهیه خواهد شد

رقابت شدیدی که بین ریتهایورت و سوفیا لورن بوجود آمده است

آن پیش بینی شده است و با این تشریفات و مغارج و کوششی که برای این فیلم مشاهده میشود امید میرود که فیلمی نظیر هوسهای امپراطور با سامسون دلینه و یوایس بروی برده بیاید. کامرینی تهیه کننده این فیلم نیز نسبت به آن امیدوار است و از هم اکنون به خبرین جراید گفته است که فیلم سلطان شاول به مراتب بر یوایس که خودش تهیه کننده آن بوده برتری خواهد داشت.

ریتا یا سوفیا - با وجود آنکه قسمتهایی از این فیلم بزرگ در دست تهیه است هنوز بدرستی معلوم نیست که چه کسی دلزبیا ترین زن جهان را در آن عهده دار خواهد بود چون زیبا و دلبر فراوان است باید ولی دانست نهاد لیری و طنازی برای ستاره اول فیلمی که یک نویسنده بزرگ و مجربترین متورانسرها در یک کمپانی مشهور میخواهند از داستانی خیال انگیز ولی حقیقی فیامبرداری کنند کافی نیست.

در این باره ریتهایورت زیبا (گیلادی عشوکر) را ترجیح میدادند میگفتند اوست که میتواند با افسونگری خود دل (افسونگر) را بازی کند ولی ناگهان درخشش ستاره جدیدی چون سوفیا لورن برق در چشمان (کامرینی) تهیه کننده این فیلم انداخت ورق برگشت و همه جا صحبت از این دلبر طناز بیجان آمد.

سوفیا لورن با وجود آنکه اخیراً در سینمای ایتالیا ظاهر شده با زیبایی خارق العاده و نگاههای شورانگیز خود توانسته محبوبیت فراوان کسب کند و وزن آید از لقب کیرد و این روزها کارش چنان بالا گرفته که میخواهد با حریف سر سختی مثل ریتهایورت پنجه نرم کند. ماهم منتظر این رقابت هستیم تا بدانیم افسونگر واقعی کدام است.

شاول پادشاه - پس از آنکه ملت یهود به پیشوای خود شموئیل شکایت بردند که چرا ایاید

فقط شیر خشک
دانمارکی عروس
مصرف کنید



سوفیا لورن

این روزها در محافل سینمایی اسرائیل همه جا صحبت از فیلمهای مجلل رنگی است که بزودی کمپانیهای اسرائیل و ایتالیا مشترکاً تهیه خواهند کرد چون پس از موفقیت فراوانی که نصیب فیلم (تبه ۲۴ جواب نپسند) شده نویسنده آن فیلم در صدد برآمد سناریو جالب دیگری را برشته تحریر در آورد و برای این منظور در اغلب شهرهای آمریکا گردش کرد ولی ناگهان فکرش متوجه ایتالیا شد مخصوصاً فیلم عالی (یوایس) بیشتر سبب این جلب توجه گردید.

چندی نگذشت که با متورانس بزرگ ایتالیا (مارو کامرینی) تماس گرفت و فوراً قراردادی برای تهیه فیلم عالی سلطان شاول که منظور نویسنده بود امضاء شد و کمپانی عظیم ایتالیا (پیکاسوس) مشغول کار گردید.

این فیلم بزرگ تاریخی بطور رنگی و نیمه از آن معنی صحنه های داخلی دکورهای عالی ایتالیا و صحنه های خارجی و مناظر تاریخی آن در اسرائیل تهیه میشود و یک مبلغ چندین رقمی برای خرج تهیه



ریتهایورت

دارای سلطانی باشند و شهریاری داشته باشند شموئیل از خداوند طلب کرد که برگزیده ای را برای پادشاهی اسرائیل انتخاب کند در نتیجه شاول فرزند ندرشید اسرائیل بر تخت سلطنت نشست و قایع عهد شاول شهریار عظیم الشان گوشه ای از تاریخ پرافتخار ملت یهود است و جنگ وجدالی که بر سر تاج و تخت سلطنت بین شاول و داود در میگردید و بالاخره زن افسونگر و جادوگری که شموئیل را از قبر در میاورد تا بسطولات شاول جواب دهد داستان جالبی است که همراه با صحنه های زیاده و خورد دکورهای عالی و مناظر دیدنی و تاریخی کشور اسرائیل بزودی تهیه خواهد شد مهتر از همه سوفیا لورن زیباست که با شرکت در این فیلم موفقیت آن را چندین برابر میسازد. اکنون ریتهایورت در فرانسه و سوفیا لورن در ایتالیا بسر میبرند و کمپانیهای مشترک تهیه کننده فیلم تاریخی سلطان شاول و همچنین مردم هنردوست اسرائیل منتظر ورود یکی از این دو لبت طناز که با قرب احتمال سوفیا لورن خواهد بود هستند.

عالم تصویر
העולם הויזואלי

